ShivaDoc.com

مِن كَلِماتِكَ بِاَتَمِّها وَكُلُّ كَلِماتِكَ تامَّةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِكَلِماتِكَ
كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِن كَمالِكَ بِاَكْمَلِهِ وَكُلُّ كَمالِكَ كامِلٌ اَللّٰهُمَّ
اِنّي اَسْئَلُكَ بِكَمالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِن اَسْمائِكَ بِاَكْبَرِها وَكُلُّ
اَسْمائِكَ كَبيرَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِاَسْمائِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ
مِن عِزَّتِكَ بِاَعَزِّها وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزيزَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّها
اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِن مَشِيَّتِكَ بِاَمْضاها وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ ماضِيَةٌ
اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِن قُدْرَتِكَ
بِالْقُدْرَةِ الَّتي اِسْتَطَلْتَ بِها عَلى كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطيلَةٌ اَللّٰهُمَّ
اِنّي اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِن عِلْمِكَ بِاَنْفَذِهِ
وَكُلُّ عِلْمِكَ نافِذٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ
مِن مَسائِلِكَ بِاَحَبِّها اِلَيْكَ وَكُلُّ مَسائِلِكَ اِلَيْكَ حَبيبَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ
بِمَسائِلِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِن قَوْلِكَ بِاَرْضاهُ وَكُلُّ قَوْلِكَ
مَرْضِيٌّ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِن شَرَفِكَ
بِاَشْرَفِهِ وَكُلُّ شَرَفِكَ شَريفٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ
اِنّي اَسْئَلُكَ مِن سُلْطانِكَ بِاَدْوَمِهِ وَكُلُّ سُلْطانِكَ دائِمٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي
اَسْئَلُكَ بِسُلْطانِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِن مُلْكِكَ بِاَفْخَرِهِ وَكُلُّ
مُلْكِكَ فاخِرٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ

مِن عُلُوِّكَ بِاَعْلاهُ وَكُلُّ عُلُوِّكَ عالٍ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِعُلُوِّكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ
اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِن مَنِّكَ بِاَقْدَمِهِ وَكُلُّ مَنِّكَ قَديمٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي
اَسْئَلُكَ مِن مَنِّكَ بِاَقْدَمِهِ وَكُلُّ مَنِّكَ قَديمٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِمَنِّكَ
كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِن آياتِكَ بِاَكْرَمِها وَكُلُّ آياتِكَ كَريمَةٌ اَللّٰهُمَّ
اِنّي اَسْئَلُكَ مِن آياتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِما اَنْتَ فيهِ مِنَ
الشَّأْنِ وَالْجَبَرُوتِ وَاَسْئَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَجَبَرُوتٍ وَحْدَها اَللّٰهُمَّ اِنّي
اَسْئَلُكَ بِما تُجيبُني حينَ اَسْئَلُكَ فَاَجِبْني يا اَللّٰهُ پس هر حاجت که
داری از حق تعالی طلب کن که بر او رده است

اعمال لیالی قدر

اما اعمال این سه شب بر دو نوع است اول آنکه در هر سه شب باید کرد دوم
آنکه مخصوص است بهر شبی اما اول بدانکه غسل در هر سه شب سنت مؤکد
است از حضرت رسول منقول است که هر که در شب قدر دو رکعت نماز بجا
آورده و در هر رکعت بعد از حمد هفتم تبه قل هو الله بخواند و بعد از فارغ
شدن هفتاد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ بگوید از جملهٔ خود بر نخیزد
تا حقتعالی او را و پدر و مادر او را بیامرزد از حضرت امام محمد باقر منقول
است که در این شبها مصحف را بگیرد بدست خود و بگشاید و این دعا را بخواند
اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِكِتابِكَ الْمُنْزَلِ وَما فيهِ وَفيهِ اسْمُكَ الْاَكْبَرُ
وَاَسْمائُكَ الْحُسْنى وَما يُخافُ وَيُرْجى

ShivaDoc.com

أن تجعلني من عتقائك من النار وتقضي حوائجي للدنيا والآخرة پس
حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید که انشاء الله بر آورده است از امام
جعفر صادق ع منقولست که مصحف را بگیرد و بر سر گذارد و بگوید اللهم بحق
هذا القرآن وبحق من نزلته به وبحق كل مؤمن مدحته فيه وبحقك
عليهم فلا أحد أعرف بحقك منك پس ده مرتبه بگوید یا الله ده مرتبه
یا محمد ده مرتبه یا علی ده مرتبه یا فاطمه ده مرتبه یا حسن ده مرتبه یا حسین
ده مرتبه یا علی بن الحسین ده مرتبه یا محمد بن علی ده مرتبه یا جعفر بن محمد
ده مرتبه یا موسی بن جعفر ده مرتبه یا علی بن موسی ده مرتبه یا محمد بن علی
ده مرتبه یا علی بن محمد ده مرتبه یا حسن بن علی ده مرتبه یا حجة پس هر حاجت
که داری طلب کن و زیارت امام حسین ع در این سه شب مستحب مؤکد است
خصوصا شب بیست و سیم صد رکعت نماز سنت است هر دو رکعت بیک
سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه قل هو الله بخواند و در بعضی روایات
معتبره وارد شده که هفت مرتبه یا پنج مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه اکتفا میتوان کرد
و احادیث بسیار در فضیلت این صد رکعت وارد شده است و باید این صد
رکعت غیر نافله شب بوده باشد و اگر ضعف داشته باشد نشسته هم میتواند
کرد و بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا از برای مطالب دنیا و
آخرت برای خود و پدر و مادر خود و خویشان خود و برادران مؤمن مرده و

زنده ایشان و اذکار و صلوات آنچه مقدور شود و دعای جوشن کبیر را در این سه
شب بخوانند و اما دویم پس اعمال شب نوزدهم انت صد مرتبه بگوید
أستغفر الله ربي وأتوب إليه و صد مرتبه اللهم العن قتلة أمير المؤمنين
و دعائیکه در حاشیه ذکر میشود بخواند پس حوائج خود را از حق تعالی طلب نماید
شب بیست یکم فضیلتش زیاده از شب سابق است غسل و اعمال سابقه هم
را باید بعمل آورد و در این دهه احیا عنکاف در مساجد جامعه سنت و دهه
استجابت دعا است و بسند بسیار معتبر از حضرت امام موسی ع منقولست که در
شب بیست یکم و بیست سیم صد رکعت نماز بکن و در هر رکعت بعد از حمد ده
مرتبه قل هو الله بخوان و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت امام محمد باقر ع
این دو شب را احیا میکرد و در نصف اول شب مشغول دعا میشد و در نصف
آخر شب مشغول نماز و بسند موثق از حضرت صادق ع مرویست که اگر
توانی در شب بیست و یکم و بیست سیم ماه رمضان در هر یک صد رکعت
نماز بکن بغیر از سیزده رکعت نماز شب و نافله صبح و تا صبح بیدار باش
و مستحب است مشغول نماز و دعا و تضرع باشی بدوستیکه امید شب قدر
در یکی از اینها هست و شب قدر بهتر است از عمل در هزار ماه و هر امری که
در آن سال واقع میشود در شب قدر مقدر میگردد و در عمل این شب بسیار
ذکر شده اما شب بیست سیم اکثر احادیث معتبره دلالت کنند بر آنکه

ShivaDoc.com

آن شب قدر است و در آن دو غسل سنت است یکی در اول شب و یکی در آخر
و حضرت صادق ع فرمود که شب بیست و سیم شب جمعه است و در آن شب جمیع
امور بر وفق حکمت مقدر میگردد و در آن شب مقدر میشود مرگها و بلاها و
اجلها و روزیها و قضاها و آنچه در آن سال واقع میشود تا شب قدر آینده پس
خوشا حال کسیکه احیا کند آن شب را و بیدار باشد بعبادتگاه در رکوعگاه
در سجود و گناهان خود را در آن برابر دیدهای خود ممثل گرداند و بر آنها بگرید
و چون چنین کند امید دارم از فضیلت شب قدر محروم نگردد انتهی بسند معتبر
از حضرت صادق ع که هر که سوره روم و عنکبوت را در شب بیست و سیم بخواند
والله که او از اهل جنت است ایضا از آنحضرت هزار مرتبه انا انزلناه را در این شب
بخواند و قرآن سوره دخان نیز سنت است و از امام محمد تقی ع منقول است که هر که
در شب بیست و سیم حضرت امام حسین ع را زیارت کند مصافحه کند با او
روح صد بیست و چهار هزار پیغمبر که همه در آن شب رخصت میطلبند از
حق تعالی در زیارت آنحضرت از امام محمد باقر ع هر که این شب را احیا کند صد رکعت
نماز بکند حق تعالی روزی او را فراخ گرداند و دشمنان را از او کفایت
کند و پناه دهد او را از غرق و هدم و سرزده مورد هول منکر و نکیر در قبر
او شود دعای سی و سه روز ماه مبارک رمضان روز اول ماه اللهم
اجعل صیامی صیام الصائمین و قیامی فیه قیام القائمین

و نبهنی فیه عن نومة الغافلین و هب لی جرمی فیه یا اله العالمین و اعف
عنی یا عافیا عن المجرمین دویم اللهم قربنی فیه الی مرضاتک و جنبنی
فیه من سخطک و نقماتک و وفقنی فیه لقراءة آیاتک برحمتک یا ازحم الراحمین
سیم اللهم ارزقنی فیه الذهن و التنبیه و باعدنی فیه من السفاهة
و التمویه و اجعل لی نصیبا من کل خیر تنزل فیه بجودک یا اجود الاجودین
چهارم اللهم قوبنی فیه علی اقامة امرک و ادرنی فیه حلاوة ذکرک
و اوزعنی فیه لاداء شکرک بکرمک و احفظنی فیه بحفظک و سترک یا
ابصر الناظرین پنجم اللهم اجعلنی فیه من المستغفرین و اجعلنی
فیه من عبادک الصالحین القانتین و اجعلنی فیه من اولیائک
المقربین برافتک یا ارحم الراحمین ششم اللهم لا تخذلنی فیه
لتعرض معصیتک و لا تضربنی فیه بسیاط نقمتک و زحزحنی فیه من
موجبات سخطک بمنک و ایادیک یا منتهی رغبة الراغبین
هفتم اللهم اعنی علی صیامه و قیامه و جنبنی فیه من هفواته
و آثامه و ارزقنی فیه ذکرک بدوامه بتوفیقک یا هادی المضلین
هشتم اللهم ارزقنی فیه رحمة الایتام و اطعام الطعام و افشاء
السلام و مجانبة اللئام بطولک یا ملجأ الآملین
نهم اللهم اجعل لی فیه نصیبا من رحمتک الواسعة و اهدنی

ShivaDoc.com

يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ **زیارت امام رضا** اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَرِيبَ الْغُرَبَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعِينَ الضُّعَفَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُغِيثَ الشِّيعَةِ وَالزُّوَّارِ فِي يَوْمِ الْجَزَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سُلْطَانَ خُرَاسَانَ أَبُو الْحَسَنِ

عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا **دعاء جوشن کبیر عظیم شان** وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

در کتاب مقال از مصباح کفعمی از امام زین العابدین ع که او از پدرش و او از علی بن ابیطالب ع و او از پیغمبر ص و او از جبرئیل روایت کرده و فضائل و خواص بسیار دارد و آن از برای خواننده و همراه دارنده اینها نقل شده و از برای اختصار در اینمقام مذکور نشده و این دعا مشتمل است بر صد فقره و هر فقره ده اسم از اسماء الله تعالی است مگر فقره پنجاه و پنجم یازده اسم است که مجموع هزار و یک اسم است و بعد از اتمام هر فقره باید گفت سُبْحَانَكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَوْثَ الخ

بسم الله الرحمن الرحيم

فصل اول در فتح مهمات اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا كَرِيمُ يَا مُقِيمُ يَا عَظِيمُ يَا قَدِيمُ يَا عَلِيمُ يَا حَلِيمُ يَا حَكِيمُ سُبْحَانَكَ يَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ **دفع بلیات** يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ يَا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ يَا وَلِيَّ الْحَسَنَاتِ يَا غَافِرَ الْخَطِيئَاتِ يَا مُعْطِيَ الْمَسَرَّاتِ يَا قَابِلَ

التَّوْبَاتِ يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ يَا دَافِعَ الْبَلِيَّاتِ ف۳ نصرت یا فتاح یا خیر الفاتحین یا خیر الغافرین یا خیر الناصرین یا خیر الحاکمین یا خیر الرازقین یا خیر الوارثین یا خیر الحامدین یا خیر الذاکرین یا خیر المنزلین یا خیر المحسنین ف۴ نصرت یا فتاح یا مَنْ لَهُ الْعِزَّةُ وَالْجَمَالُ یا مَنْ لَهُ الْقُدْرَةُ وَالْكَمَالُ یا مَنْ لَهُ الْمُلْكُ وَالْجَلَالُ یا مَنْ هُوَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالُ یا مُنْشِئَ السَّحَابِ الثِّقَالِ یا مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ یا مَنْ هُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ یا مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْعِقَابِ یا مَنْ هُوَ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ یا مَنْ هُوَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ ف۵ برزگی یا فتاح اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا دَيَّانُ يَا بُرْهَانُ يَا رِضْوَانُ يَا سُلْطَانُ يَا غُفْرَانُ يَا سُبْحَانُ يَا مُسْتَعَانُ يَا ذَا الْمَنِّ وَالْبَيَانِ ف۶ دفع افتها یا مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ یا مَنِ انْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ یا مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ یا مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ یا مَنِ انْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ یا مَنِ انْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْ خَشْيَتِهِ یا مَنِ انْشَقَّتِ الْجِبَالُ مِنْ مَخَافَتِهِ یا مَنْ قَامَتِ السَّمٰوَاتُ بِأَمْرِهِ یا مَنِ انْبَسَطَتِ الْأَرَضُونَ بِأَدَبِهِ یا مَنْ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ یا مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ ف۷ دوشنائی کارها یا غافِرَ الْخَطَايَا یا كَاشِفَ الْبَلَايَا یا مُنْتَهَى الرَّجَايَا یا مُجْزِلَ الْعَطَايَا یا وَاهِبَ الْهَدَايَا یا رَازِقَ الْبَرَايَا یا قَاضِيَ الْمَنَايَا یا سَامِعَ الشَّكَايَا یا نَاعِتَ الْبَرَايَا یا مُطْلِقَ الْأَسَارَى ف۸ درجه اعلی یا فتاح

ShivaDoc.com

یاذا الحمد والثناء یاذا العز والبهاء یاذا المجد والسناء یاذا العهد و
الوفاء یاذا العفو والرضاء یاذا المن والعطاء یاذا الفضل والقضا
یاذا العز والبقاء یاذا الجود والسخاء یاذا الآلاء والنعماء ف ۹ اما یا من
اللهم انی اسئلک باسمک یا مانع یا دافع یا رافع یا صانع یا نافع یا ساطع
یا جامع یا شافع یا واسع یا مرتفع ف ۱۰ منکرے کا رها یا صانع یا نافع یا
سامع یا جامع کل مصنوع یا خالق کل مخلوق یا رازق کل مرزوق یا مالک
یا مالک کل مملوک یا کاشف کل مکروب یا فارج کل مغموم یا راحم کل
مرحوم یا ناصر کل مخذول یا ساتر کل معیوب یا ملجا کل مطرود ف ۱۱
نگاه داشتن ایمان یا مدنی عند شدتی یا رجائی عند مصیبتی یا مونسی
عند وحشتی یا صاحبی عند غربتی یا ولیی عند نعمتی یا غیاثی عند کربتی
یا دلیلی عند تحیری یا غیاثی عند کربتی یا دلیلی عند حیرتی یا غیاثی
عند افتقاری یا ملجائی عند اضطراری یا مغیثی عند مفزعی ف ۱۲
بخت دولت یا علام الغیوب یا غفار الذنوب یا ستار العیوب یا کا
شف الکروب یا مقلب القلوب یا حبیب القلوب یا منور القلوب یا انیس
القلوب یا مفرج الهموم یا منفس الغموم ف ۱۳ جاودانی دولت اللهم
انی اسئلک باسمک یا جلیل یا جمیل یا وکیل یا کفیل یا دلیل یا قلیل
یا مذلیل یا مقیل یا مقیل یا عقیل ف ۱۴ دفع بدیها یا دلیل المتحیرین

یا غیاث المستغیثین یا صریخ المستصرخین یا جار المستجیرین یا امان
الخائفین یا عون المؤمنین یا راحم المساکین یا ملجاء العاصین یا غیاث
المذنبین یا مجیب دعوة المضطرین ف ۱۵ فراخی دولت یا ذا الجود والاحسان
یا ذا الفضل والامتنان یا ذا الامن والامان یا ذا القدس والسبحان
یا ذا الحکمة والبیان یا ذا الرحمة والرضوان یا ذا الحجة والبرهان یا ذا
العظمة والسلطان یا ذا الرافة والمستعان یا ذا العفو والغفران ف ۱۶
کتابش مهمات یا من هو رب کل شیء یا من هو اله کل شیء یا من خالق
کل شیء یا من هو صانع کل شیء یا من هو قبل کل شیء یا من هو بعد کل شیء
یا من هو فوق کل شیء یا من هو عالم بکل شیء یا من هو قادر علی کل شیء
یا من هو یبقی ویفنی کل شیء ف ۱۷ برآمد حاجات اللهم انی اسئلک
باسمک یا مؤمن یا مهیمن یا مکون یا ملقن یا مبین یا مهون یا ممکن
یا مزین یا معین یا مقیم ف ۱۸ فرج یافتن غم یا من هو فی ملکه مقیم یا من
یا من هو فی سلطانه قدیم یا من هو فی جلاله عظیم یا من هو علی عباده
رحیم یا من هو بکل شیء علیم یا من هو من عصاه حلیم یا من هو من رجاه
کریم یا من هو فی صنعه حکیم یا من هو فی حکمته لطیف یا من هو فی لطفه
قدیم ف ۱۹ اسانی کارها یا من لا یرجی الا فضله یا من لا یسئل
الا عفوه یا من لا ینظر الا برّه یا من لا یخاف الا عدله یا من لا

ShivaDoc.com

يَا دَائِمَ الْمُلْكِ يَا مَنْ لَا سُلْطَانَ إِلَّا سُلْطَانُهُ يَا مَنْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ
رَحْمَتُهُ يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمُهُ يَا مَنْ لَا يَئُودُهُ
حِفْظُ شَيْءٍ ف ٢٠ سخیها بلاها یا فارج الهم یا کاشف الغم یا غافر الذنب
یا قابل التوب یا خالق الخلق یا صادق الوعد یا موفی العهد یا عالم
السر و یا فالق الحب یا رازق الانام ف ٢١ برای استغاثه اللهم انی اسئلک
باسمک یا علی یا ولی یا غنی یا ملی یا حفی یا رضی یا زکی یا بدی یا قوی
یا ولی ف ٢٢ فراخی روزی یا من اظهر الجمیل و ستر القبیح یا من لم یؤاخذ
بالجریرة و یا من لم یهتک الستر یا عظیم العفو یا حسن التجاوز یا واسع
المغفرة یا باسط الیدین بالرحمة یا صاحب کل نجوی یا منتهی کل
شکوی ف ٢٣ دفع غمها یا ذا النعمة السابغة یا ذا الرحمة الواسعة یا ذا
المنة السابقة یا ذا الحکمة البالغة یا ذا القدرة الکاملة یا ذا الحجة
القاطعة یا ذا الکرامة الظاهرة یا ذا العزة الدائمة یا ذا القوة المتینة
یا ذا العظمة المنیعة ف ٢٤ رضای خدای تعالی یا بدیع السموات یا جاعل الظلمات
یا راحم العبرات یا مقیل العثرات یا ساتر العورات یا محیی الاموات
یا منزل الآیات یا مضعف الحسنات یا ماحی السیئات یا شدید النقمات
ف ٢٥ دفع اندوه اللهم انی اسئلک باسمک یا مصور یا مقدر یا مدبر
یا مطهر یا مصور یا میسر یا مبشر یا منذر یا مقدم یا مؤخر ف ٢٦ دوستی

خذ یا رب البیت الحرام یا رب الشهر الحرام یا رب البلد الحرام یا رب
الرکن و المقام یا رب المشعر الحرام یا رب الحل و الحرام
یا رب النور و الظلام یا رب التحیة و السلام یا رب القدرة فی الانام
ف ٢٧ ملاقات امراء یا احکم الحاکمین یا اعدل العادلین یا اصدق الصادقین
یا اطهر الطاهرین یا احسن الخالقین یا اسرع الحاسبین یا اسمع السامعین
یا ابصر الناظرین یا انفع الشافعین یا اکرم الاکرمین ف ٢٨ دیدن
سلاطین یا عماد من لا عماد له یا سند من لا سند له یا ذخر من لا ذخر
یا حرز من لا حرز له یا غیاث من لا غیاث له یا فخر من لا فخر له یا عز
من لا عز له یا معین من لا معین له یا انیس من لا انیس له یا امان
من لا امان له ف ٢٩ زبان بند اللهم انی اسئلک باسمک یا عالم
یا قائم یا دائم یا راحم یا سالم یا حاکم یا عالم یا قاسم یا قابض یا باسط
ف ٣٠ کان کشیدن یا عاصم یا قائم یا دائم یا راحم یا سالم یا حاکم یا عالم یا
قاسم یا قابض یا باسط ف ٣١ کان کشیدن یا عاصم من استعصمه یا راحم
من استرحمه یا غافر من استغفره یا ناصر من استنصره یا حافظ من
استحفظه یا مکرم من استکرمه یا مرشد من استرشده یا صریخ
من استصرخه یا معین من استعانه یا مغیث من استغاثه ف ٣٢
تیر انداختن یا عزیز الانصار یا لطیف الابرار یا قیوم الانام یا دائم

ShivaDoc.com

لا یفوت یا حیا لا یموت یا ملکا لا یزول یا باقیا لا یفنی یا عالما لا
یجهل یا صمدا لا یطعم یا قویا لا یضعف ف ۳۱ خوارے دشمن اللهم انی
اسئلک باسمک یا واحد یا احد یا شاهد یا ماجد یا حامد یا راشد یا باعث
یا وارث یا ضار یا نافع ف ۳۲ محبت خلائق یا اعظم من کل عظیم یا اکرم
من کل کریم یا ارحم من کل رحیم یا اعلم من کل علیم یا احکم من کل حکیم
یا اقدم من کل قدیم یا اکبر من کل کبیر یا الطف من کل لطیف یا اجل من
کل جلیل یا اعز من کل عزیز ف ۳۳ خوف از سایہ یا کریم الصفح یا عظیم
المن یا کثیر الخیر یا قدیم الفضل یا دائم اللطف یا لطیف الصنع یا منفس
الکرب یا کاشف الضر یا مالک الملک یا قاضی الحق ف ۳۴ خوف از
ترسیدن از شب یا من هو فی عفوه وفی یا من هو فی وفائه قوی یا من هو
فی قوته علی یا من هو فی علوه قریب یا من هو فی قربه لطیف یا من هو
فی لطفه شریف یا من هو فی شرفه عزیز یا من هو فی عزه عظیم یا من هو فی
عظمته مجید یا من هو فی مجده حمید ف ۳۵ خوف از روز اللهم انی
اسئلک باسمک یا کافی یا شافی یا وافی یا معافی یا هادی یا داعی یا قاضی
یا راضی یا عالی یا باقی ف ۳۶ دفع دیو و پری یا من کل شیء خاضع له یا
من کل شیء خاشع له یا من کل شیء کائن له یا من کل شیء موجود
به یا من کل شیء منیب الیه یا من کل شیء خائف منه یا من کل شیء قائم

به یا من کل شیء صائر الیه یا من کل شیء یسبح بحمده یا من کل شیء هالک
الا وجهه ف ۳۸ ترسیدن از سایہ یا من لا مفزع الا الیه یا من لا مفرع
الا الیه یا من لا مقصد الا الیه یا من لا ملجأ الا الیه یا من لا
یرغب الا الیه یا من لا حول ولا قوة الا بالله به یا من لا یستعان
الا به یا من لا یتوکل الا علیه یا من لا یرجی الا هو یا من لا یعبد الا
ایاه ف ۳۹ دفع سرخ باد یا خیر المرهوبین یا خیر المرغوبین یا خیر المطلوبین
یا خیر المسئولین یا خیر المقصودین یا خیر المذکورین یا خیر المشکورین
یا خیر المحبوبین یا خیر المعروفین یا خیر مستاب ف ۴۰ دفع کربہ
اللهم انی اسئلک باسمک یا غافر یا ساتر یا قادر یا قاهر یا فاطر یا
کاسر یا جابر یا ذاکر یا ناظر یا ناصر ف ۴۱ دفع قولنج یا من خلق فسوی
یا من قدر فهدی یا من یکشف البلوی یا من یسمع النجوی یا من یفک
العرفی یا من ینجی الهلکی یا من یشفی المرضی یا من اضحک وابکی یا من
اماتت واحیی یا من خلق الزوجین الذکر والانثی ف ۴۲ دفع درد بازو
یا من فی البر والبحر سبیله یا من فی الافاق آیاته یا من فی الآیات برهانه
یا من فی الممات قدرته یا من فی القبور عبرته یا من فی القیمة حکمه
یا من فی الحساب هیبته یا من فی المیزان قضاؤه یا من فی الجنة ثوابه
یا من فی النار عقابه ف ۴۳ شش ارکان یا من الیه یهرب الخائفون

جوشن صغیر

ShivaDoc.com

يامن اليه يفزع المذنبون يامن اليه يقصد المنيبون يامن اليه يرغب
الزاهدون يامن اليه يلجاء المضطرون يامن به يستانس المريدون
يامن به يفتخر المحبون يامن في عفوه يطمع الخاطئون يامن اليه يتكل المتوكلون
يامن عليه يتوكل المتوكلون ف۴۴ امان يافتن اللهم اني اسئلك
باسمك يا حبيب يا طبيب يا قريب يا رقيب يا حسيب يا مهيب يا مثيب
يا مجيب يا خبير يا بصير ف۴۵ خلاصے ارفتن يا اقرب من كل قريب يا
احب من كل حبيب يا اخبر من كل بصير يا اصبر عن كل خبير يا اشرف
من كل شريف يا ارفع من كل رفيع يا اقوى من كل قوي يا اغنى من كل
غني يا اجود من كل جواد يا ارءف من كل رءوف ف۴۶ درد سر يا غاية
غير مغلوب يا صانعا غير مصنوع يا خالقا غير مخلوق يا مالكا غير مملوك
يا قاهرا غير مقهور يا رافعا غير مرفوع يا حافظا غير محفوظ يا ناصرا غير
منصور يا شاهدا غير مشهود يا قريبا غير بعيد ف۴۷ درد پيشانى يا نورا
النور يا منور النور يا خالق النور يا مدبر النور يا مقدر النور يا نورا كل
نور يا نورا قبل كل نور يا نورا بعد كل نور يا نورا فوق كل نور يا نورا
ليس كمثله نور ف۴۸ دفع همه دردها يا من عطاؤه شريف يا من فعله
لطيف يا من لطفه مقيم يا من احسانه قديم يا من قوله حق يا من وعده
صدق يا من عفوه فضل يا من عذابه عدل يا من ذكره حلو يا من

جوشن صغير

فضله عميم ف۴۹ درد چشم اللهم اني اسئلك باسمك يا مسهل
يا مفضل يا مبدل يا مذلل يا منزل يا منول يا مفضل يا مجزل يا منحل
يا مجمل ف۵۰ روشنائے چشم يا من يرى ولا يرى يا من يخلق ولا يخلق يا من
يهدي ولا يهدى يا من يحيي ولا يحيى يا من يسئل ولا يسئل يا من
يطعم ولا يطعم يا من يجير ولا يجار عليه يا من يقضي ولا يقضى عليه يا من
يحكم ولا يحكم عليه يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد ف۵۱
تاريكى چشم يا نعم المجيب يا نعم الطبيب يا نعم الرقيب يا نعم القريب يا
نعم الحبيب يا نعم الحسيب يا نعم الكفيل يا نعم الوكيل يا نعم المولى يا نعم
النصير ف۵۲ دفع شبكورے يا سرور العارفين يا منى المحبين يا انيس المريدين
يا حبيب التوابين يا رازق المقلين يا رجاء المذنبين يا قرة عين العابدين
يا منفسا عن المكروبين يا مفرجا عن المغمومين يا اله الاولين والاخرين
ف۵۳ درد سر اللهم اني اسئلك باسمك يا ربنا يا الهنا يا سيدنا
يا مولينا يا ناصرنا يا حافظنا يا دليلنا يا معيننا يا حبيبنا يا طبيبنا
ف۵۴ درد بينى يا رب النبيين والابرار يا رب الصديقين والاحرار
يا رب الجنة والنار يا رب الصغار والكبار يا رب الحبوب والثمار
يا رب الانهار والاشجار يا رب الصحارى والبحار يا رب البر
والبحار يا رب الليل والنهار يا رب الاعلان والاسرار ف۵۵ درد

جوشن صغير

ShivaDoc.com

حلقوم یامن نفذ فی کل شیء امرہ یامن بحق بکلمتہ علمہ یامن بلغت الی
کلمتہ قدرتہ یامن لا یحصی العباد نعمہ یامن لا تبلغ الخلائق شکرہ یامن
لا تدرک الاوہام جلالہ یامن لا تنال الاوہام کنہہ یامن العظمۃ
والکبریاء ردائہ یامن لا ترد العباد قضاءہ یامن لا ملک الا ملکہ یا
من لا عطاء الا عطاؤہ ف ۵۵ نزد ملوک یامن لہ المثل الاعلی یامن
لہ الصفات العلیا یامن لہ الاخرۃ والاولی یامن لہ الجنۃ المأوی
یامن لہ الآیات الکبری یامن لہ الاسماء الحسنی یامن لہ الحکم و
القضاء یامن لہ العرش والثری یامن لہ السموات العلی ف ۵۶ دردگلو
اللھم انی اسئلک باسمک یا عفو یا غفور یا صبور یا شکور یا رؤف یا
عطوف یا مسئول یا ودود یا سبوح یا قدوس ف ۵۸ دفع تب گرم یامن
فی السماء عظمتہ یامن فی الارض آیاتہ یامن فی کل شیء دلائلہ یامن فی البحار
عجائبہ یامن فی الجبال خزائنہ یامن یبدء الخلق ثم یعیدہ یامن الیہ
یرجع الامر کلہ یامن اظہر فی کل شیء لطفہ یامن اظہر احسن کل شیء
خلقہ یامن تصرف فی الخلائق قدرتہ ف ۵۹ دردگوش یا مجیب من
لا مجیب لہ یا طبیب من لا طبیب لہ یا مجیب من لا مجیب لہ یا صدیق
من لا صدیق لہ یا رفیق من لا رفیق لہ یا مغیث من لا مغیث لہ یا دلیل
من لا دلیل لہ یا انیس من لا انیس لہ یا راحم من لا راحم لہ یا صاحب

من لا صاحب لہ ف ۶۰ دردبناگوش یا کافی من استکفاہ یا ہادی من
استہداہ یا کافی من استکفاہ یا راعی من استرعاہ یا شافی من استشفاہ
یا قاضی من استقضاہ یا مغنی من استغناہ یا مولی من استولاہ
من استقواہ یا ولی من استولاہ ف ۶۱ دردپا اللھم انی اسئلک
باسمک یا خالق یا رازق یا ناطق یا صادق یا فالق یا فارق یا فائق
یا رائق یا سابق یا سامق ف ۶۲ دردکردن یامن یقلب اللیل والنہار
یامن جعل الظلمات والانوار یامن جعل الظل والحرور یامن سخر
الشمس والقمر یامن قدر الخیر والشر یامن خلق الموت والحیوۃ یامن
لہ الخلق والامر یامن لم یتخذ صاحبۃ ولا ولدا یامن لیس لہ شریک
فی الملک یامن لم یکن لہ ولی من الذل ف ۶۳ دردگلو یامن یعلم مراد
المریدین یامن یعلم ضمیر الصامتین یامن یسمع انین الواہنین یامن
یری بکاء الخائفین یامن یملک حوائج السائلین یامن یقبل عذر
التائبین یامن لا یضیع اجر المحسنین یامن لا یبعد عن قلوب العارفین یا اجود الاجودین ف ۶۴ دفع
گریہ طفلان یا دائم البقاء یا سامع الدعاء یا واسع العطاء یا غافر
الخطاء یا بدیع السماء یا حسن البلاء یا جمیل الثناء یا قدیم السناء
یا کثیر الوفاء یا شریف الجزاء ف ۶۵ ناف اللھم انی اسئلک

ShivaDoc.com

باسمك يا ستار يا غفار يا قهار يا جبار يا صبار يا بار يا نصار يا فتاح
يا نفاح يا مرتاح ف ۶ درود سیم یا من خلقنی وسوانی یا من رزقنی
وروانی یا من اطعمنی وسقانی یا من قربنی وادنانی یا من عصمنی وکفانی
یا من حفظنی وکلانی یا من اعزنی واغنانی یا من وفقنی وهدانی
یا من اسبغ واوانی یا من اماتنی واحیانی ف ۷ درود شکم یا من یحیی
الحق بکلماته یا من یقبل التوبة عن عباده یا من یحول بین المرء و
قلبه یا من لا تنفع الشفاعة الا باذنه یا من هو اعلم بمن ضل عن
سبیله یا من لا معقب لحکمه یا من لا راد لقضائه یا من انقاد
کل شیء لامره یا من السموات مطویات بیمینه یا من یرسل الریاح
بشرا بین یدی رحمته ف ۸ درود پستان یا من جعل الارض مهادا
یا من جعل الجبال اوتادا یا من جعل الشمس سراجا یا من جعل
القمر نورا یا من جعل اللیل لباسا یا من جعل النهار معاشا
یا من جعل النوم سباتا یا من جعل السماء بناء یا من جعل الارض
ارواجا یا من جعل النار مرصادا ف ۹ درود جگر اللهم انی اسئلك
باسمك یا سمیع یا شفیع یا رفیع یا منیع یا سریع یا بدیع یا کبیر یا قدیر
یا خبیر یا مجیر ف ۱۰ درود کف یا حیا قبل کل حی یا حیا بعد کل حی
یا حی الذی لیس کمثله حی یا حی الذی لا یشارکه حی یا حی

الذی لا یحتاج الی حی یا حی الذی یمیت کل حی یا حی الذی یرزق
کل حی یا حیا لم یرث الحیوة من حی یا حی الذی یحیی الموتی یا حی
یا قیوم لا تاخذه سنة ولا نوم ف ۱۱ درود شانہ یا من له ذکر لا
ینسی یا من له نور لا یطفی یا من له نعم لا تعد یا من له ملك لا
یزول یا من له ثناء لا یحصی یا من له جلال لا یکیف یا من له
کمال لا یدرك یا من له قضاء لا یرد یا من له صفات لا تبدل
یا من له نعوت لا تغیر ف ۱۲ دفع غم یا رب العالمین یا مالك
یوم الدین یا غایة الطالبین یا ظهر اللاجئین یا مدرك الهاربین
یا من یحب الصابرین یا من یحب التوابین یا من یحب المتطهرین
یا من یحب المحسنین یا من هو اعلم بالمهتدین ف ۱۳ دفع تنگدستی
اللهم انی اسئلك باسمك یا شفیق یا رفیق یا حفیظ یا محیط یا
مقیت یا مغیث یا معز یا مذل یا مبدئ یا معید ف ۱۴ دفع دردها
یا من هو احد بلا ضد یا من هو فرد بلا ند یا من هو صمد بلا غیب
یا من هو وتر بلا کیف یا من هو قاض بلا حیف یا من هو رب
بلا وزیر یا من هو عزیز بلا ذل یا من هو غنی بلا فقر یا من هو ملك
بلا عزل یا من هو موصوف بلا شبیه ف ۱۵ درود کمر یا من ذکره
شرف للذاکرین یا من شکره فوز للشاکرین یا من حمده عز

جوشن صغیر

ShivaDoc.com

الحامدين يا من طاعته نجاة للمطيعين يا من بابه مفتوح للعائدين
يا من سبيله واضح للمبتغين يا من آياته برهان للناظرين يا من كتابه
تذكرة للمتقين يا من رزقه عموم للطائعين والعاصين يا من رحمته
قريب من المحسنين ف٧٦ دردبست يا من تبارك اسمه يا من تعالى
جده يا من لا اله غيره يا من جل ثناؤه يا من تقدست اسماؤه يا من
يدوم بقاؤه يا من العظمة بهاؤه يا من الكبرياء ردائه يا من لا تحصى
آلاؤه يا من لا تعد نعماؤه ف٧٧ دردبهنو اللهم اني اسئلك
باسمك يا مهيمن يا امين يا مبين يا متين يا مكين يا رشيد يا حميد
يا مجيد يا شديد يا شهيد ف٧٨ دردشكم يا ذا العرش المجيد يا ذا
القول السديد يا ذا البطش الشديد يا ذا الفعال الرشيد يا ذا الوعد
والوعيد يا من هو الولي الحميد يا من هو فعال لما يريد يا من هو بعرشه
عزيز مجيد يا من هو على كل شيء شهيد يا من هو ليس بظلام للعبيد
ف٧٩ دفع سوز يا من لا شريك له ولا وزير يا من لا شبيه له ولا نظير
يا خالق الشمس والقمر المنير يا مفيق البائس الفقير يا رازق الطفل
الصغير يا راحم الشيخ الكبير يا جابر العظم الكسير يا عصمة الخائف
يا من هو على كل شيء قدير ف٨٠ دفع محنتها يا ذا الجود والنعيم يا ذا الفضل
والكرم يا خالق اللوح والقلم يا باري الذر والنسم يا ذا البأس و

جوشن صغير

والنقم يا ملهم العرب والعجم يا كاشف الضر والألم يا عالم السر والهمم
يا رب البيت والحرم يا من خلق الأشياء من العدم ف٨١ بدى امور
اللهم اني اسئلك باسمك يا فاعل يا جاعل يا قابل يا كامل يا فاصل
يا فاضل يا عادل يا غائب يا طالب يا واهب ف٨٢ دفع دردها يا من
انعم بطوله يا من اكرم بجوده يا من جاد بلطفه يا من تعزز بقدرته
يا من قدر بحكمته يا من حكم بتدبيره يا من دبر بعلمه يا من تجاوز بحلمه
يا من دنى في علوه يا من علا في دنوه ف٨٣ دفع چكيدن بول يا من يخلق
ما يشاء يا من يفعل ما يشاء يا من يهدي من يشاء يا من يضل من
يشاء يا من يعذب من يشاء يا من يغفر لمن يشاء يا من يعز من يشاء
يا من يذل من يشاء يا من يصور في الارحام ما يشاء يا من يخص برحمته
من يشاء ف٨٤ يا من لم يتخذ صاحبة ولا ولدا يا من جعل لكل شيء قدرا
يا من لا يشرك في حكمه احدا يا من جعل الملائكة رسلا يا من جعل في السماء
بروجا يا من جعل الارض قرارا يا من خلق من الماء بشرا يا من جعل
لكل شيء امدا يا من احاط بكل شيء علما يا من احصى كل شيء عددا ف٨٥
دردساق اللهم اني اسئلك باسمك يا اول يا آخر يا ظاهر يا باطن يا بر
يا حق يا فرد يا وتر يا صمد يا سرمد ف٨٦ دردواها يا خير معروف عرف
يا افضل معبود عبد يا اجل مشكور شكر يا اعز مذكور ذكر يا اعلى

جوشن صغير

ShivaDoc.com

فحمود حمید یا اقدم موجود طلب یا ارفع موصوف وصف یا اکبر مقصود
قصد یا اکرم مسئول سئل یا اشرف محبوب علم ف۸۷ درد ذانو یا حبیب
الباکین یا سید المتوکلین یا ھادی المضلین یا ولی المؤمنین یا انیس
الذاکرین یا مفرج الملھوفین یا منجی الصادقین یا اقدر القادرین یا
اعلم العالمین یا الٰہ الخلق اجمعین ف۸۸ درد پاشنہ یا من علا فقھر
یا من ملک فقدر یا من بطن فخبر یا من عبد فشکر یا من عصی فغفر یا
من لا یحویہ الفکر یا من لا یدرکہ بصر یا من لا یخفی علیہ اثر یا رازق
البشر یا مقدر کل قدر ف۸۹ نیم سر اللھم انی اسئلک باسمک یا
حافظ یا باری یا ذاری یا بارئ یا فارج یا فاتح یا کاشف یا ضامن
یا آمر یا ناھی ف۹۰ درد اعضا یا من لا یعلم الغیب الا ھو یا من لا
یصرف السوء الا ھو یا من لا یخلق الخلق الا ھو یا من لا یغفر الذنب
الا ھو یا من لا یتم النعمۃ الا ھو یا من لا یقلب القلوب الا ھو
یا من لا یدبر الامر الا ھو یا من لا ینزل الغیث الا ھو یا من لا
یبسط الرزق الا ھو یا من لا یحیی الموتی الا ھو ف۹۱ درد رکھا
یا معین الضعفاء یا صاحب الغرباء یا ناصر الاولیاء یا قاھر الاعداء
یا رافع السماء یا انیس الاصفیاء یا حبیب الاتقیاء یا کنز الفقراء
یا الٰہ الاغنیاء یا اکرم الکرماء ف۹۲ درد ھفت اندام یا کافی

من کل شیء یا قائما علی کل شیء یا من لا یشبھہ شیء یا من لا یزید فی ملکہ
شیء یا من لا یخفی علیہ شیء یا من لا ینقص من خزائنہ شیء یا من لیس
کمثلہ شیء یا من لا یعزب عن علمہ شیء یا من ھو خبیر بکل شیء یا من
وسعت رحمتہ کل شیء ف۹۳ درد مفاصل اللھم انی اسئلک باسمک
یا مکرم یا منعم یا مطعم یا منعم یا مطعی یا مشفی یا معفی یا محیی یا مرضی
یا محی ف۹۴ درد جمیع اعضاء یا اول کل شیء و آخرہ یا الٰہ کل شیء و ملیکہ
یا رب کل شیء و مضیفہ یا بارئ کل شیء و خالقہ یا قابض کل شیء و باسطہ
یا مبدئ کل شیء و معیدہ یا منشئ کل شیء و مقلدہ یا مکون کل شیء
و محولہ یا محیی کل شیء و ممیتہ یا خالق کل شیء و وارثہ ف۹۵ دفع جمیع
مرضہا یا خیر ذاکر و مذکور یا خیر شاکر و مشکور یا خیر حامد و محمود
یا خیر شاھد و مشھود یا خیر داع و مدعو یا خیر مجیب و مجاب یا خیر
مرئی و انیس یا خیر صاحب و جلیس یا خیر مقصود و مطلوب یا خیر
حبیب و محبوب ف۹۶ نجات از ربھا یا من ھو لمن دعاہ مجیب یا
من ھو لمن اطاعہ حبیب یا من ھو الی من احبہ قریب یا من ھو بمن
استحفظہ رقیب یا من ھو بمن رجاہ کریم یا من ھو بمن عصاہ حلیم
یا من ھو فی عطیتہ رحیم یا من ھو فی حکمتہ عظیم یا من ھو فی احسانہ
قدیم یا من ھو بمن ارادہ علیم ف۹۷ دفع جمیع نادھا اللھم انی

ShivaDoc.com

أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُسَبِّبُ يَا مُرَغِّبُ يَا مُقَلِّبُ يَا مُعَقِّبُ يَا مُرَتِّبُ يَا مُخَوِّفُ
يَا مُحَذِّرُ يَا مُذَكِّرُ يَا مُبَشِّرُ يَا مُنَذِّرُ ف ۹۸ كاهل نماز يَا مَنْ عِلْمُهُ سَابِغٌ
يَا مَنْ وَعْدُهُ صَادِقٌ يَا مَنْ لُطْفُهُ ظَاهِرٌ يَا مَنْ أَمْرُهُ غَالِبٌ يَا مَنْ كِتَابُهُ مُحْكَمٌ
يَا مَنْ قَضَاؤُهُ كَائِنٌ يَا مَنْ قُرْآنُهُ مَجِيدٌ يَا مَنْ مُلْكُهُ قَدِيمٌ يَا مَنْ فَضْلُهُ
عَمِيمٌ يَا مَنْ عَرْشُهُ عَظِيمٌ ف ۹۹ دفع خوابهاى پريشان يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ
سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ يَا مَنْ لَا يَمْنَعُهُ فِعْلٌ عَنْ فِعْلٍ يَا مَنْ لَا يُلْهِيهِ قَوْلٌ عَنْ
قَوْلٍ يَا مَنْ لَا يُغَلِّطُهُ سُؤَالٌ عَنْ سُؤَالٍ يَا مَنْ لَا يُحْجِبُهُ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ
يَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ إِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ يَا مَنْ هُوَ غَايَةُ مُرَادِ الْمُرِيدِينَ يَا مَنْ
هُوَ مُنْتَهَى هِمَمِ الْعَارِفِينَ يَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى طَلَبِ الطَّالِبِينَ يَا مَنْ لَا
يَخْفَى عَلَيْهِ ذَرَّةٌ فِي الْعَالَمِينَ ف ۱ براى قبولى طاعات يَا حَلِيمًا لَا
يَعْجَلُ يَا جَوَادًا لَا يَبْخَلُ يَا صَادِقًا لَا يُخْلِفُ يَا وَهَّابًا لَا يَمَلُّ يَا قَاهِرًا
لَا يُغْلَبُ يَا عَظِيمًا لَا يُوصَفُ يَا عَدْلًا لَا يَحِيفُ يَا غَنِيًّا لَا يُفْتَقَرُ يَا كَبِيرًا
لَا يُصْغَرُ يَا حَافِظًا لَا يَغْفَلُ سُبْحَانَكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَوْثَ
الْغَوْثَ خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ تمت

اعمال روز عيد فطر

در زاد المعاد از حضرت رسول ص منقول است كه هر كه
احيا كند شب عيد فطر را نميرد دل او در روزى كه دلها از ترس بميرد
و جناب على بن الحسين ع با امام محمد باقر ع فرمود كه اى فرزند

كن از شب قدر نيت و غسل در آن سنت است حضرت صادق ع فرمود كه چون
آفتاب غروب كند غسل بكن و چون فريضه مغرب و نافله آن را بجا آوردى دست
بسوى آسمان بلند كن و بگو يَا ذَا الْمَنِّ يَا ذَا الْجُودِ يَا مُصَطَفِي مُحَمَّدٍ وَنَاصِرِهِ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَحْصَيْتَهُ وَهُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ
پس بسجده برو و بگو أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ پس هر حاجت كه دارى از حق تعالى طلب
كن كه آن را برآورده است حضرت امير المؤمنين ع در شب عيد فطر دو ركعت نماز
ميكردند در ركعت اول بعد از حمد هزار مرتبه سوره قل هو الله و در ركعت دوم
يكمرتبه ميخواندند و بعد از سلام بسجود صد مرتبه أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ ميگفتند و بعد
ميگفتند يَا ذَا الْمَنِّ وَالْجُودِ يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ يَا مُصَطَفِي مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ پس حاجت خود را از خدا ميطلبيدند و ميفرمودند بحق خداوندى
كه جانم بدست قدرت اوست هر كه اين نماز را بكند هر حاجت كه از حق
بطلبد البته عطا كند و اگر بعدد ريگهاى بيابان گناه داشته باشد خدا
بيامرزد و در روايت ديگر بجاى هزار مرتبه قل هو الله نيز صد مرتبه وارد شده
است و ايضا سنت مؤكد است كه بعد از نماز شام و خفتن و صبح شب عيد
و نماز عيد اين تكبير را بخواند اَللَّهُ أَكْبَرُ اَللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ
أَكْبَرُ اَللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا و در روز عيد سنت
است در اول روز افطار كند بر خرما و غسل روز عيد سنت مؤكد است

ShivaDoc.com

و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت صادق ع منقولست که غسل را در سقفی
بکن و پیش از غسل بگو اللهم ایمانا بک و تصدیقا بکتابک و اتباع سنة
نبیک صلی الله علیه و آله بسم الله بگو و غسل بکن و چون از غسل فارغ
شوی بگو اللهم اجعله کفارة لذنوبی و طهر دینی اللهم اذهب عنی الدنس
و زیارت امام حسین ع در این روز سنت مؤکد است و ثواب بسیار وارد شده
است و اما زکوة فطره واجب مؤکد است و ترکش با تحقق شرایط وجوب
گناه کبیره است و شرط قبول روزه ماه مبارک است چنانچه منقولست که هیچ
مال در دریا و صحرا تلف نمیشود مگر بنداد زکوة و هم چنین فطره زکوة
بدنست و بدن را پاکیزه میگرداند از بخل و سایر کثافات معنویه و او را تا سال
آینده از بلاها حفظ میکند و اما مقدار فطره موافق مشهور یکمن تبریز و
چهارده مثقال و ربع مثقالست و باید بکسی بدهند که قوت سالیانه خود
و عیال خود را نداشته باشد و سائل بکف متظاهر بفسق نباشد صالح باشد
نماز عیدین و آن دو رکعتست در رکعت اول بعد از حمد سوره
سبح اسم ربک را بخواند و بعد پنج تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر یک قنوت بخواند و در
رکعت دوم بعد از حمد سوره والشمس را بخواند بعد چهار تکبیر و چهار قنوت
و نیت چنین کند اصلی صلوة العید الله اکبر القربة الی الله قنوت
این است اللهم اهل الکبریاء و العظمة و اهل الجود و الجبروت و

و اهل العفو و الرحمة و اهل التقوی و المغفرة اسئلک بحق هذا الیوم
الذی جعلته للمسلمین عیدا و لمحمد ص و آله کرامة و ذخرا و شرفا و مزیدا
ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تدخلنی فی کل خیر ادخلت فیه محمدا
و آل محمد و ان تخرجنی من کل سوء اخرجت منه محمدا و آل محمد صلواتک
علیه و علیهم اللهم انی اسئلک خیر ما سئلک به عبادک الصالحون و صورت نماز عید مضان و
قربان هر دو یکسانست

در بیان تعبیر خواب

این رساله ایست جهت تعبیر خواب از حضرت یوسف که علما عظام کثر الله
امثالهم بداوزده باب باتمام رسانیده اند باب اول در دیدن پیغمبران و
امامان و فرشتگان و آنچه تعلق بدان دارد هر که پیغمبر را در خواب ببیند کار
دین و دنیا صدی نظام گیرد هر که فرشته در خواب ببیند دلیل حج بود دیدن
پل صراط سهو سلطان بود دیدن آفتاب و ماه و ستارگان از جمله خویشان خود
حرمت بیند یا حق تعالی فرزندی کرامت کند که از او خیر بیند دیدن مرده در
خواب از غم بیرون آید الخ باب دوم در دیدن خواندن قرآن و علم آموختن
و امامت و قضا و آنچه تعلق بدان دارد دیدن بانگ نماز و اقامه گفتن
دین قوی شود و حرمت او بیفزاید دیدن علم آموختن کاری از او صادر شود
که ثواب حاصل آید دیدن امامت کردن بر سر قومی مهتر گردد و دیانت

ShivaDoc.com

او زیاد شود دیدن خود را قاضی امر معروف کند دیدن بریاست عمل شاقی در
کار غالب گردد دیدن خود را در جنگ و خصومت از دشمنان حذر باید
زبان از غیبت خلق نگهدارد تا آزار حاصل نگردد **باب سیم** در دیدن
جواهرات و آنچه تعلق باطعام دارد هر که زرد در خواب بیند کار دنیا بر وی نظام
گیرد دیدن قرابه دلیل تندرستی بود دیدن انگشتر مرد را زن اگر اهیت باشد
بعضی گویند عزت جاه بود دیدن جواهر و مانند آن سود و زیاد بدست آید
دیدن آهن و مس و روح و ارزیز و غیر آن تعلق بمنفعت دنیا دارد دیدن
شمشیر کارد سلاح قوت بوی رسد **باب چهارم** در دیدن حیوانات کرباس
و ریسمان پنبه و کرباس و مانند آن حشمت زیاد شود **باب پنجم** در دیدن
روغن بادام و پسته میراث بوی رسد دیدن روغن جوز روزی حلال باشد
دیدن روغن کتان و روغنی که تعلق بوجهان دارد رنج اندکی بوی رسد
دیدن شراب انگور روزی حلال بود دیدن شرابهای دیگر روزی با منفعت
باشد دیدن خربزه مالی باشد که بسوی دوستی بوی رسد دیدن سیب از خویشان
خود شاد شود دیدن نارد بلهو مشغول شود دیدن آلو و میوه‌های دیگر تعلق
بخوشدلی دارد دیدن میوه‌های خشک چون مویز و کشمش و مانند آن نیکوئی
باشد دوستان در حق او گویند دیدن جوز و پسته و بادام و فندق و میوه‌های
دیگر با مرد سفید گفتگوی بسیار و مناقشه در میان ایشان واقع شود **باب**

ششم در دیدن شیر بنیاد برهنگی و خون کم کردن و طهارت دیدن
حلوا ها تعلق بخشدلی و تندرستی دارد از غم و رنج بیرون آید دیدن نبات و
شکر و انگبین و گل شکر و مانند آن تعلق بایمنی دارد دیدن شیرینیهای دیگر
زن بخواهد دیدن داروها منفعت خلق دارد و از رنج بیرون آید دیدن طهارت
کردن از اندوه و غم بیرون آید دیدن خون کم کردن دلیل تندرستی باشد
دیدن گرمابه رفتن رنجوری پدید آید دیدن سر تراشیدن از غم بیرون آید دیدن
خود را برهنه میان مردم با حرمت گردد **باب هشتم** در دیدن جامه‌های سفید
پاکیزه از جانب حرمت بیند دیدن جامه‌های سرخ دلیل سیاست سلطان
بود دیدن جامه‌های زرد دلیل بیماری بود دیدن جامه‌های سبز چیزی یابد
حرمتش زیاد شود دیدن عمارت کردن اندکی غم بود دیدن خانه آراستن به
فرشهای نیکو زیادتی نعمت و دولت باشد دیدن رقص کردن و شنیدن
آواز چنگ و طنبور و مانند آنها تندرستی و ایمنی باشد دیدن خود را در بلندی
حرمت و جاه او زیاد شود دیدن برهنه بودن غمهای او زایل شود و مراد بر آید
دیدن قبا پوشیدن زن شایسته حلال باشد دیدن نعلین و موزه
دوختن کردن زن گرفتن باشد و اگر از پا بیرون آورد زن طلاق دهد دیدن
موی سر او از رنج اندکی باشد دیدن صحبت کردن با فن جمیله
انسان را نفع آن بگذراند دیدن از انعام خود بر تنگ از خویش وی کسی بر

ShivaDoc.com

طرف گردد و دندان افتادن هم معنی دارد و دیدن شکستن دندان
بزرگ مصیبت و جدل باشد دیدن موی کندن دلیل جدائی باجفت
خود باشد دیدن موی ریش مال باشد دیدن خانه سوختن یا در آتش افتادن
دلیل گرفتن سلطان اندک زحمتی باشد **باب هشتم** در دیدن چهارپایان
و تجیر هر که خود را بر اسب زین دار ببیند زن تو اگر بخواهد که بمراد دل
برسد و اسب برهنه هم خوبست دیدن قاطر از مردم بد فعل حرام زاده پرهیز
کند تا در رنج نیفتد دیدن الاغ بخت او یاری کند دیدن گاو فربه انسان
خوب بگذرد دیدن گاو لاغر انسان زحمتها گران غله کم شود دیدن گاو
ماده انسان بفراخی بگذراند اگر شتر جهاز دار ببیند بکعبه رود یا پی
کاری رود که ثواب کعبه را دریابد اگر شتر بی جهاز ببیند که بر گردوی
برآمدند بر جماعتی مهتر گردد و اگر بر شتر سوار شده دولت یابد و اگر مهار
شتر در دست دارد و میکشد بر قومی حکم کند دیدن بره مراد حاصل شود
دیدن بخیر و گوزن و بز کوهی و آنچه بدان تعلق دارد روزی حلال بوی
رسد دیدن خرگوش فرزند میابد یا چیزی برسد خوشحال گردد **باب دهم**
در دیدن وحوش و سباع دیدن شیر از پادشاه نیکوئی بیند و هیبت بر
بدست آورد دیدن پلنگ نیز مثل شیر بود دیدن یوز نفع سلطان بود
دیدن خرس از مکر دشمن ایمن باشد دیدن خوک بطالی حاجتی افتد و زیانی

بوی رسد دیدن کفتار دشمن مکر باوی کند گوش بر فش دهد دیدن
بوزینه هکذا دیدن گرگ دشمن است خود را از او نگه دارد دیدن شغال
دزدیست که قصد او کند دیدن روباه دشمن است که اظهار دوستی نماید
دیدن موش دزد است که در خانه او دزدی کرده دیدن سگ در خانه وی
بدی شود دیدن کرم دشمن بود دیدن مار مالی باشد که از دشمن بوی
رسد که از او شاد شود **باب یازدهم** در دیدن مرغان دیدن باز از حاجب
پادشاه مهتر گردد دیدن شاهین چرغ و مرغان شکاری بزرگیست دیدن
بوم دشمن مکار بود دیدن کرکس مرد کم آزار بود یا میراث برسد دیدن زاغ
و کلاغ مرد دروغگو است که باوی اظهار دوستی کند دیدن فاخته و قمری
و طوطی مرد شایسته بود دیدن لک لک و کلنگ و مرغان دیگر نعمت حلال
است دیدن گنجشک و مرغان کوچک خوشدلیست دیدن سیمرغ کاری
بالا گیرد دیدن ماکیان و خروس زیادتی نعمت باشد **باب دوازدهم**
در دیدن آبها دیدن آب ایستاده روشن میراث بوی رسد دیدن آب
روان روشن سفر با نعمت باشد دیدن خود را در آب روشن تندرستی بود
دیدن آب تیره در فساد افتد دیدن آب تیره روان ظلمی بر اهل زمین
پیدا شود دیدن خود را در آب تیره صدقه دهد دیدن غرق کشتی از
سلطان مخاطره بود دیدن صید کردن روزی حلال بود دیدن گو

ShivaDoc.com

در بیان تعبیر خواب

خاماندکی اندیشه بود دیدن گوشت پخته خوبست دیدن جرس تندرستی فراخی است دیدن برف بهنگام لشکر باشد دیدن باران ایمنی فراخی بود دیدن برف باهنگام فراخی روزی است دیدن تگرگ نعمت راحت خرمی بیند دیدن نقره یا فیروزه انگشتری از خلق مهربانی بیند دیدن برف در زمین قحط باشد دیدن باد سخت بیگانه باشد دیدن خوردن دارو دماسن ان یا بیع ان در هر حال خوبست دیدن خریدن اولاغ بنده یا ملازم پیدا کند دیدن فروختن الاغ زیان باشد دیدن استر باو لگدزده مال یابد دیدن بانگ سگ برگ زحمت باشد دیدن گزیدن ما را از دشمن گزند رسد دیدن هر نوع مار زیان بوی رسد دیدن کشتن گربه بدرویش گزند

احکام رگ از فتوح

اول ماه	در کف دست باشد
دوم ماه	در کعب پا باشد
سیم ماه	در ساق پا باشد
چهارم	در هیکاه باشد
پنجم	در صورت راست است
ششم	در بازوی راست است
هفتم	در زبان است
هشتم	در بلق باشد
نهم	در پشت میباشد

احکام فصد حجامت

اول ماه	منفعت است برها
دوم	خوب نباشد
سیم	باعث ضعف و مشقت
چهارم	باعث دردسر است
پنجم	باعث دردی زلت است
ششم	باعث رشته اعضا است
هفتم	باعث مرض حجامت
هشتم	باعث دردسر است
نهم	باعث ندوی زلت است

احکام سر تراشیدن

دهم	دو دندان باشد
یازدهم	در صورت چپ باشد
دوازدهم	در چهره میباشد
سیزدهم	در بخت
چهاردهم	در ران میباشد
پانزدهم	در بازوی چپ است
شانزدهم	در گردن باشد
هفدهم	در کفهای دل است
هجدهم	در پهلو میباشد
نوزدهم	در سر بی دندان
بیستم	در کف پا باشد
بیست یکم	دو انگشت پا میباشد
بیست دوم	در شکم باشد
بیست سوم	در جگر میباشد
بیست چهارم	در دل باشد البته
بیست پنجم	در پستان است
بیست ششم	در سینه میباشد
بیست هفتم	در سر دست
بیست هشتم	در گردن است
بیست نهم	در دست میباشد
سیم	در پشت باشد

دهم	باعث درد دندان است
یازدهم	باعث خبط دماغ است
دوازدهم	باعث ضعف بدنست
سیزدهم	باعث بلا است
چهاردهم	باعث حکم شود
پانزدهم	باعث فرح شود
شانزدهم	باعث فرح و نشاط
هفدهم	باعث محنت بدنست
هجدهم	باعث قوت بدنست
نوزدهم	باعث دفع درد بدنست
بیستم	باعث محنت است
بیست یکم	باعث روشنی دلست
بیست دوم	باعث قوت دلست
بیست سوم	باعث شادی دلست
بیست چهارم	باعث دفع محنت
بیست پنجم	باعث صفای خاطر است
بیست ششم	باعث خلاصی از مرض
بیست هفتم	باعث ایمنی از ترس است
بیست هشتم	باعث قوت دل است
بیست نهم	باعث نجات از بیماری است
سیم	حکمی ندارد

احکام سر تراشیدن

اول ماه	باعث گناه عمر است
دوم	حاجت روا گردد
سیم	سبب درازی عمر گردد
چهارم	باعث غم و اندوه شود
پنجم	باعث سرور و شادیست
ششم	باعث بلای ناگهانی است
هفتم	آرزو کان دولت یابد
هشتم	سبب تباهی است
نهم	باعث درد خاطر شود
دهم	غریب و محنت گردد
یازدهم	باعث غم و اندوه است
دوازدهم	میان مردم باشکوه گردد

فایده برای جماع

اول ماه	در زیر پشت پا باشد
دوم	در کف پا باشد
سیم	در کعب پا باشد
چهارم	در ران میباشد
پنجم	در ساق پا باشد
ششم	در زانو میباشد
هفتم	در ران میباشد
هشتم	در ران باشد
نهم	در گردن باشد
دهم	در لب میباشد
یازدهم	در رخساره باشد
دوازدهم	در چشم میباشد

ShivaDoc.com

احکام سر تراشیدن

سیزدهم	با خصومت کند	سیزدهم	در شفیقه باشد
چهاردهم	باعث شادیست	چهاردهم	در پیشانیست
پانزدهم	باعث شادیست	پانزدهم	در پیشانی سر باشد
شانزدهم	باعث غم و حزنست		
هفدهم	مصائبات		
هجدهم	باعث ملالات	شانزدهم	در زیر قسمت باشد
نوزدهم	نزاع گردد	هفدهم	در کتف باشد
بیستم	باعث ایمنی از ملالات	هجدهم	در کتف باشد
بیست یکم	از جهت کان دولت باشد	نوزدهم	در ساق باشد
بیست دوم	باعث مفلسیست	بیستم	در ران باشد
بیست سیم	کارها باصلاح بیاید	بیست یکم	در فرج باشد
بیست چهارم	هلیا	بیست دوم	در ناف باشد
بیست پنجم	هم چنین است	بیست سوم	در پستان باشد
بیست ششم	از بلاها خلاص شود	بیست چهارم	در گردن باشد
بیست هفتم	بیماری عارض شود	بیست پنجم	در کتف باشد
بیست هشتم	بسیار بسیار بدات	بیست ششم	در رخساره باشد
بیست نهم	از خلق برهیز کند	بیست هفتم	در جبین باشد
سی ام ماه	ایمنی باشد از بلیات	بیست هشتم	در حنجره باشد
		بیست نهم	در فرق باشد
		سی ام	در فرق باشد

در احکام ستاره زبالا در دنیا

در هوا پیدا میشود گاه بگاه مشعد
چون گیسوی زنان و از کواکب ثابت بود
بنوای دهنیست در کره ناهیت فلک قمر
حرق گردد مینماید و احکام ان بسیار است
بانحصار در اینجا ذکر میشود و حکم از برج
کر افتاب در ان برج باشد قبل از نصف شب
تباهی کردد و زرگی میشود

فی طرف المشرق

حمل	بابل خراب گردد
ثور	انشوب در هر جا ظاهر گردد
جوزا	در هر جا شکی پیدا اید
سرطان	قحط پیدا اید
اسد	غلبه درندگانست
سنبله	مدعوی عوام الناس باشد
میزان	کثرت در ان باشد
عقرب	بلای وحشت بود

فی طرف المغرب

حمل	نعمت و دولت فراخ گردد
ثور	بدی حال زنان باشد
جوزا	ضعف حال باشد
سرطان	فراخی پیدا اید
اسد	ایمنی ظاهر شود
سنبله	در انسال فقد ظاهر گردد
میزان	خلاف رعایا بود
عقرب	قحط کارها بود

احکام ستاره زبالا در دنیا

قوس الله قوس الرحمن نقش قوس قزح خوب
نیست زیرا که قزح نام شیطانست و اب
عکس و شنی افتاب است بقولی عکس کوه فاف
پس اگر سرخی غالب باشد دال بر جنگ است
اگر زردی غالب است دال بر بیماری اگر سبزی
باشد دال بر موت نفات و حکم ان مدبر جی کنند
که افتاب در انجهات بر اول شمسی و
نصف اخر شب مغربی و احکام ان در اینجا ذکر است

فی طرف المغرب

حمل	بابل خراب گردد
ثور	بدی عوام الناس باشد
جوزا	فساد پیدا اید
سرطان	غلبه دزدان باشد
اسد	زنا اشکار گردد
سنبله	بدی وعیت باشد
میزان	عزت ملوک باشد
عقرب	ارجیف پیدا شود
قوس	فتنه پیدا گردد
جدی	عزا پیدا اید
دلو	قتل پیدا اید
حوت	

فی طرف المغرب

حمل	قحط پیدا شود
ثور	نعمت فراوان گردد
جوزا	وبا ظاهر گردد
اسد	فراخی نعمت باشد
سنبله	وبا اشکار گردد
میزان	نعمت فراوان گردد
عقرب	فراوانی غله باشد
قوس	نعمت فراوان گردد
جدی	فراخی نعمت باشد
دلو	تحمل پیدا اید
حوت	بیماری زنان باشد

احکام ستاره زبالا در دنیا

قوس	افت مردمان باشد	قوس	ایمنی و سکون باشد
جدی	خونهای ریخته شود	جدی	حلاوت عوام الناس باشد
دلو	قتل پیدا اید	دلو	افت عظیم باشد
حوت	کشتی مرد شود	حوت	لکت وطاعون بود

جهیدن اعضا طرف راست

پشت ادمی	بازو	پشت	بازو
گردن	تمام سر	گردن	تمام سر
بالای سر	مغز سر	بالای سر	مغز سر
پیشانی	شقیقه	پیشانی	شقیقه

جهیدن اعضا طرف چپ

پشت ادمی	بازو	پشت	بازو
گردن	تمام سر	گردن	تمام سر
بالای سر	مغز سر	بالای سر	مغز سر
پیشانی	شقیقه	پیشانی	شقیقه

ShivaDoc.com

احکام جهیدن اعضاء

گوش	ابرو	گوش	ابرو
بلک چشم	گوشه چشم	بلک چشم	گوشه چشم
دهان	زبان	دهان	زبان
بینی	بینی	زنخ	بینی
طرف رو	دوش	طرف رو	دوش
دولب	آخر چشم	دولب	آخر چشم
کف پا	دو پا	کف پا	دو پا
ران	زهار	ران	زهار

اختلاجات اعضا

هیکاه	خنصر	هیکاه	خنصر
منصر	سبابه	منصر	سبابه
کف دست	مرفق	کف دست	مرفق
وسطی	ابهام	وسطی	ابهام
پهلو	شکم	پهلو	شکم
ناف	سینه	ناف	سینه
دل	پستان	دل	پستان

احکام جهیدن اعضاء

اختلاجات اعضا

ShivaDoc.com

در اختلاجات اعضا

ذکر	بیضه	ذکر	بیضه
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
انگشتان پا	**انگشتان پا**	**انگشتان**	**انگشتان**
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کعب پا	**کعب پا**	**زانوی چپ**	**زانوی راست**
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
پاشنه	**پاشنه**	**پشت قدم**	**پشت قدم**
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
وسطی	**وسطی**	**سبابه پا**	**سبابه پا**
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

در بیان مجملی از اختیارات ایام هفته

شنبه — تعلق بزحل دارد بعد نحس است اما نیک است در این روز جدائی و عمارت کردن و دنیا مقصود جوئی کردن و باغ بنیاد نهادن و سفر و تجارت و با اهل قلم مخالفت کردن و دفینه نهادن و فصد و حجامت کردن و نو بریدن و پوشیدن و عقد و نکاح و مولودی که بوجود آید در این روز مبارک است

یکشنبه — تعلق بآفتاب دارد خوب است و با دوستان الفت کردن و عمارت و بیع شرعی و باغ و خانه بنا کردن و جوئی کندن و نهال کردن اما نشاید سفر کردن و عمارت و حرب کردن مگر بقصد و فرزندی که در این روز در اول سال بوجود آید مبارک قدم طویل العمر با علم و فضل و تدبیر گردد ✻

در اختیارات ایام هفته

دوشنبه — تعلق بقمر دارد میانه است اما نیک است پیغام فرستادن و دیدن اکابر و حاجت خواستن و نو بریدن و پوشیدن و در اول ساعت نکاح کردن و عمارت کردن و نهال کردن و کارهای بزرگ و فرزندی که در این روز بوجود آید مبارک قدم بر رواتی هیچ کار خوب نیست بنیت در این روز بنا جنبد

سه‌شنبه — تعلق بمریخ دارد میانه است اما نیک است حرب جماعت و آلت سلاح ساختن و سفر کردن اقامت نشاید در ساعت اول نزد بزرگان رفتن و حاجت خواستن و نو بریدن و پوشیدن و شکار کردن بروایت دیگر حاجت نشاید اما سایر کارها خوب است اهن برای او در آن نیز مولود نحس نیز

چهارشنبه — تعلق بعطارد دارد بسیار خوب است کودک بمکتب فرستادن و مو تراشیدن و قلم و حجامت از حجامت و نوره کشیدن و سفر کردن اما خوب است ابتدای درس کتابت بروایتی در این روز داروی خوردن و برای معالجات و سر تراشیدن بسیار خوب است بروایتی نو بریدن و پوشیدن خوب است

پنجشنبه — تعلق بمشتری دارد نیک است تزویج و طلب حاجت و سفر کردن و دیدن اکابر و ملوک و ابتدای کارهای بزرگ نو بریدن و پوشیدن و بیع شرعی گاو و گوسفند و فصد و حجامت و بنای کارها و آلت حرب ساختن و خریدن آن و مولود در این روز مبارک باعلم و فضل گردد ✻

جمعه — تعلق بزهره دارد تزویج و عقد مبارک است و لیکن نیک است بیع شرعی گاو و گوسفند و استر نو بریدن و پوشیدن و ادالیق بلغو و پوستین و فصد و حجامت و معالجه دارو خوردن روز عید خاتم پیغمبران است نیز روز هالست مولود در این روز مبارک قدم است طویل العمر باشد

در اختیارات ایام ماه از جهات الخلق

روز اول — روز بسیار مبارک است آدم خلق شده بنی آدم طلب علم و دخول سلاطین و تزویج و بیع شرعی خریدن چیزها و طلب حاجات گنجینه تا شب بلیت است مولود مبارک قدم و فرزند و بیع کار

روز دوم — خوب است شده بسیار مبارک است در آن تزویج بنای منازل و عهد سفر کردن و طلب حوائج و بیمار مرض سکت اخر روز سنگین و مولود تربیت پذیر باشد و امتعه عمارت کردن نیک است

روز سوم — نحس مستمر است آدم و حوا از بهشت بیرون کردند بدانست در آن ملاقات مطلوب و بیع شرعی و طلب حوائج و هر کار نکن که نتیجه باز نیاید بسیار گداز و مولود طویل العمر باروزی

ShivaDoc.com

اختیار ایام ماه

چهارم	نیکوست برای شکار و رهاشدن بازرگان و تزویج کردن و مسافرت است و اما سفر خوب نیست
پنجم	نحس مستمر است قابیل متولد شد و قتل هابیل در این روز شد و اول حزن است که شد بالحق القصه در این روز از منزل نباید بیرون رفت مولود را حال نیکو است
ششم	نیکوست در آن تزویج و طلب حوائج و سفر دریا و صحرا و خرید گاو و گوسفند مسافر را مقصود مراجعت نماید کرشد و زود بدست آید بیمار زود شفا یابد مولود ایمن باشد
هفتم	نیکوست برای هر کار خاصه خرید و فروخت بنا نهادن و زیارت مؤمنان و شروع کارات بنای عمارت و غرس اشجار و مولود نیکو تربیت یابد و زود بکمال و خریدن برده نیکو
هشتم	نیکوست برای هر کار چون بیع شرعی غرس اشجار و بنا و غیره و نزد سلطان و کرامت و سرکشی و جنگ و عهدنامه و مولود تربیت یابد و گرفته نیاید مگر تعب بسیار صعب گردد
نهم	نیک صالح است هر چه اراده کنی خاصه قرض دادن و زراعت و سفر و خصومت هر چه جنگ زود غالب آید گرفته بدست بیاید بیمار دشوار و سنگین و مولود نیکو تربیت یابد
دهم	نوح متولد شد مولود طویل العمر و بزرگ خلق و بارد است نیک است بیع شرعی مریض وصیت کند طفل تربیت دشوار و بروایتی برای هر کار خوبست مگر دخول امراء
یازدهم	شیث متولد شد نیکست شروع در هر کاری خاصه بیع شرعی ولیکن بدست دشمن سلاطین گرفته باز آید مولود نیک عیش باشد نمیرد تا پیر گردد از امراء برهیزد
دوازدهم	نیکوست برای تزویج و گشادن دکان و شرکت و سفر دریا و تجارت و بیمار احتمال خلاصی دارد و مولود نزد بیش آسان و عقد و معاملات نیکو و نافع باشد
سیزدهم	نحس مستمر است دندان پیغمبر و اشکستند بر هزار منازعه و دیدار سلاطین و استعمال عطریات سر تراشید گرفته سالم باشد بیمار صعب باشد مولود نماند بتجربه
چهاردهم	نیکست برای هر کاری خاصه طلب علم بیع شرعی و قرض استقراض و سوار شدن و گرفته بدست شود و مولود طویل العمر غنی گردد و بیمار شفا یابد
پانزدهم	برای هر شغلی نیکوست مگر قرض استقراض و ابتدای کار و سفر موجب جبر و منع اما بیمار شفا یابد و مولود دیوانه گردد و گرفته بدست آید بعون الله تعالی
شانزدهم	نحس مستقر است ابرهیم و با بانش نمرود انداختند سفر باعث هلاکت است نیکوست دیدن امراء صلاح هیچ کار ندارد بیمار اصلاح نماید گرفته برگردد مولود قبل از زوال بزرگ

ساعات بریدن و پوشیدن

شنبه	عزیز شود
یکشنبه	زیاد شود
دوشنبه	مبارک
سه‌شنبه	نامبارک
چهارشنبه	مبارک
پنجشنبه	مبارک
جمعه	

اختیار ایام ماه

حمل	نیکوست برای شکار و رهاشدن بازرگان و تزویج کردن و مسافرت است و اما سفر خوب نیست قابیل و هابیل در این روز متولد شدند و مولود صالح و مبارک باشد گرفته بدست آید
ثور	نحس مستمر است قابیل متولد شد و قتل هابیل در این روز شد و اول حزن است که شد بالحق القصه در این روز از منزل نباید بیرون رفت مولود را حال نیکو است
جوزا	نیکوست در آن تزویج و طلب حوائج و سفر دریا و صحرا و خرید گاو و گوسفند مسافر را مقصود مراجعت نماید کرشد و زود بدست آید بیمار زود شفا یابد مولود ایمن باشد
سرطان	نیکوست برای هر کار خاصه خرید و فروخت بنا نهادن و زیارت مؤمنان و شروع کارات بنای عمارت و غرس اشجار و مولود نیکو تربیت یابد و زود بکمال و خریدن برده نیکو
اسد	نیکوست برای هر کار چون بیع شرعی غرس اشجار و بنا و غیره و نزد سلطان و کرامت و سرکشی و جنگ و عهدنامه و مولود تربیت یابد و گرفته نیاید مگر تعب بسیار صعب گردد
سنبله	نیک صالح است هر چه اراده کنی خاصه قرض دادن و زراعت و سفر و خصومت هر چه جنگ زود غالب آید گرفته بدست بیاید بیمار دشوار و سنگین و مولود نیکو تربیت یابد
میزان	نوح متولد شد مولود طویل العمر و بزرگ خلق و بارد است نیک است بیع شرعی مریض وصیت کند طفل تربیت دشوار و بروایتی برای هر کار خوبست مگر دخول امراء
عقرب	شیث متولد شد نیکست شروع در هر کاری خاصه بیع شرعی ولیکن بدست دشمن سلاطین گرفته باز آید مولود نیک عیش باشد نمیرد تا پیر گردد از امراء برهیزد
قوس	نیکوست برای تزویج و گشادن دکان و شرکت و سفر دریا و تجارت و بیمار احتمال خلاصی دارد و مولود نزد بیش آسان و عقد و معاملات نیکو و نافع باشد
جدی	نحس مستمر است دندان پیغمبر و اشکستند بر هزار منازعه و دیدار سلاطین و استعمال عطریات سر تراشید گرفته سالم باشد بیمار صعب باشد مولود نماند بتجربه
دلو	نیکست برای هر کاری خاصه طلب علم بیع شرعی و قرض استقراض و سوار شدن و گرفته بدست شود و مولود طویل العمر غنی گردد و بیمار شفا یابد
حوت	برای هر شغلی نیکوست مگر قرض استقراض و ابتدای کار و سفر موجب جبر و منع اما بیمار شفا یابد و مولود دیوانه گردد و گرفته بدست آید بعون الله تعالی

حمل	میانه است حذر باید کردن از قرض دادن بر نگردد و بروایت دیگر تزویج بیع شرعی زراعت و بدار امراء و طلب حاجت مولود حالش خوب بروایتی سنگین
ثور	روز مبارکیست برای هر چیز خاصه بیع شرعی و زراعت و سفر و معاوضه و عقد و نکاح و قرض بر گرد دو بیمار شفا یابد و گرفته بدست آید و مولود محتاج گردد روز بهار است نکاح نیز دارد
جوزا	روز مبارکیست برای طلب معاش و حاجت و خریدن برده و چهارپای ماشیه گشاده و گرفته بمقدار ماشیه بدست آید و علم خوب است نحس متولد شده و سفر کردن خوب است و مولود هم نیکو باشد بحاجات صحابات
سرطان	خوبست سفر و فضلهای حوائج و وضع اساس حصار و غرس اشجار و دخول مولود و اخذ ماشیه گرفته باز نیاید بیمار دشوار و مولود زندگی دشوار گذرد
اسد	نحس است در این روز طوفان نوح شد هیچ کار نشاید خاصه سفر هم مرداست اما برای فصد حجامت و حقنه و بادکش نافع است و جنگ خوب است مولود فقیر گردد
سنبله	نیکست برای حاجات و بیع شرعی و صدقه و دیدار سلاطین و سفر کردن غنیمت است و برای هر کار خوبست بیمار سخت باید و مولود مبارک و گرفته بدست آید اما اختیار امراء و رماه و زرع نماید بر گرد بحادث و اوقات بحاجات است بحادث دست
میزان	روز سبکیست نیکست برای طلب حاجات بیع شرعی و صدقه و دیدار امراء و تزویج و سفر کردن بر صرف تولد و فتح و مولود تربیت نیکو یابد اما سفر بر غنیمت است
عقرب	روز نحسی است اده بر سر کر یا گذاشتند و فرعون متولد شد برای هیچ کار خوب نیست و مولود شریر و تند کی کند اخر غرق یا کشته شود و بیمار طول کشد صدقه
قوس	نحس شدید البلاء است اکثر بلیات بر قبطیان در این روز نازل شد و یونس را ماهی فرو برد غرق فرعون در این روز هیچ کار نشاید بیماطول کشد اما مولود نازل است
جدی	در این روز موسی عصا بر سنگ زد آب ظاهر شد و شق دریای نیل در این روز شد خوبست سفر کردن و تزویج و بیمار طول دارد و مولود طویل العمر باشد
دلو	روز بسیار خوبیست برای هر چه اراده کنی خاصه سفر کردن و مولود کثیر الخیر و محبوب القلوب گردد و گرفته بدست آید و بیمار شفا یابد انشاء الله
حوت	روز سبکی است برای هر کاری اما مخوف برای یعقوب تولد یافته بیمار سبک گردد بعد از نحس بیاید اما روز بیست هم خوبست هر کار فرزند دیدن امراء مولود حلیم
	خوب است بیع شرعی قرض استقراض بیمار در این روز شفا یابد گرفته و کشته و دزد برده گرفتار گردد و مولود مبارک قدم باشد والله اعلم بالصواب

اختیار ایام ماه

اختیارات

ShivaDoc.com

اود ثیل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان
بقر	حمل	سرطان	جدی	حوت	دلو	سنبله

در احکام مبدأ السنة ماه محرم از جنات الحلوی

محرم در آید دال بر زمستان سرد و برنج بسیار و مرض طاعون و مرگ کودکان بسیار و گندم گران و عسل کم و مرغ و ماهی و انگور و میوه و آفت رسد و دوم را بطرب خلد و قتل ها بسیار و انگور اتفاق افتاد و شاید تنگی از آفتاب و ماهی خشک گردد و بر دوانی مرغ خانگی بسیار و میان مردم کاری کم و دوم در دهات بسیار و برنج بسیار و خوب سال خوب

دال بر زمستان نیکو و زیادتی باران و زراعت و درختان را آفت رسد و گل و عسل و هوا زهر طاعون ظاهر و در سال گرانی و غلبه پادشاه و ظهور دزدها و مکاید صعب و کوکب بنا بر مدار صد و ثمانی ظاهر و علم ماه یا بعضی تغیر کرده بر رواج زمستان سرد و تابستان معتدل و میوه و زراعت خوب و مشرق از زلزله و سنه شتر و گاو بسیار شود

دال بر زمستان نیکو و تابستان گرم و باران بموقع بسیار و سعد و عسل فراوان و در بلاد جبل بخصوص از باران میوه و مرگ زنان و زیاد و گوشت و روغن فراوان و در بلاد فارس و روم اسد شرق مرگ زیاد و احوال سال مرگ مسلمانان و میوه و حبوب زیاد و بسیار ماه را آفتاب تغیر کرده و بسیار به نزدیک و معاش جهان خوب

دال بر برف و برنج و سرما بسیار و در مشرق و سعد و عسل بسیار و برنج گران و در آخر سال به دوانی زراعت بسیار و باران زیاد و در آخر سال و در جمیع ولایات زخمها و دردها و بیشتر و فراوان و شکار و در فراوان و بعضی بر پا خروج کند و اضطراب پادشاه عجم و در میان عرب و عجم قتال پیدا و برنج حرب کشته شود و کند و هوا و باران و باران در تابستان بسیار آید

دال بر زمستان و سعد و باران بسیار و بهار و غلات و میوه در بلاد جبل یعنی مشرق فراوان و برنج بسیار بمیرند و دوانی زخمها از برنج و حریر ارزان و بسیار و معاملات و از شهرها که پادشاه خروج کند و سلطان روم بمیرد و آخر سال حیر بسیار و احتمال مرگ حیوانات بدوانی زیادتی عسل و انجیر و جلد بسیار مرگ در شاه و امدن ملخ در شاه والله اعلم

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵

دال بر زمستان ملایم و بسیار باران و غله و عسل و میوه و ظهور رب خاصه خلیه باطل و دوم بر مسلمانان و غلبات معرب و در اول سال کمی باران و خوب سال و زیادتی دادها و تنبذ و زیادتی داهزنان و بسیاری مرگ کار و رسم حکام و کم شدن مال

دال بر زمستان و تابستان و آب چشمها و در خلیه هار باران و غله و بلاد جبل و گرانی و در مغرب و آفت درختان و غله دوم بر فارس و فساد عظیم در فارس در اول ربیع الاول تا آخر جمادی الثانی و در ظاهر و زنان ابتدا بجهه مناع کمی خاصه و قیمت و حمل هر گاه در آسمان ستاره بنا بر مدار عظام و فتنه های عجیب و الله اعلم

در احکام مبدأ السنة از نوروز فرس اختیارات

نوروز در آید دال بر ربیع خلاف نعمت و پادشاه و غالیز و گندم و جو خوب شود و باران و سیل زیاد باشد و هند را آفت رسد و بیماری و گرد و مور و ملخ و کبک و بسیار باشد و در آخر سال برنج خوار از آنکه در عسل کرم و موش زیاد و کم بسیار

در آید دال حال بندگان و ملوک خوب شود و موقع نکاح و بیماری و گندم و جو فراوان و در زراعت بنیه قصور نکند و بر سر آگر و توانگر خوب و در فصل بهار باران بسیار بیارد که مردم غنی آیند و کشتی را آفت رسد تابستان گرم و زمستان میانه و زیادتی نکاح و طرب و نعمت فراوان و خلاف بد سال بد و حال خوب بود

در آید دال بر آنکه تابستان گرم و زمستان میانه و نوغان و گرم و غله خوب شود و حال ملوک علما خوب است و فراوانی نعمت و ارزانی زنجفار و خوب بنفشه و گندم و بنیه و سیلهای زیاد و سرماهای سوخت اما فتنه و حرب کم باشد و بیماری زیاد و مرد و مگس کرد و مار و عقرب بسیار حال پادشاهان خراسان و کار مردم و بکر میانه بود

در آید سال بر ربیع بود و حال بزرگان و ملوک میانه بود و زمستان سرد و تابستان گرم شود و گرانی زنجفار و بلیله و قند و انبوه و حرب و زیادتی کرمها و زنبور شاه و آفت رسد در فارس بیماری زیاد و در زراعت آفت رسد و در اول سال محل و تنگی و احوال سال ارزانی باشد و آبله و خشکی ظاهر کند و کرم و وبا میانه باشد

در آید حال علما و صلحا خوب شود و بعضی احوال سلطان و زیادتی انبوه و گرانی زنجفار و زیادتی ناخوشی در کیلان و طبرستان و حدود جرجان آشفتگی تنگی و فتنه مخصوص اطاهر شود و بستگی کار مردم و باران بر وقت و آفت میوه و زراعت میانه تا بادها و آفت و زمستان برف و سرما و تنگی برسد و کرم پیله خوب

ShivaDoc.com

صلح سال مشتری است حال علما و سادات نیکو و بانات خوب و بلند عطا و صیانه و در نماز باران کشاورزان تفاعات خوب و تابستان میانه و بیماری گرم و ابر نیم گرم میانه و در باد چهارپایان و غرض کاه بعطارد گرم هر قرن صاحب سال صلح حال خوب است فانه اعلم بحقایق الامور	
صلح سال زهره بود حال علما و قاریان و عباد و سلاطین خوب بود اما رعیت ناله کنند و در زراعت خوب و گرم باشد و هم خوب شود در باد پی رت و سرما و تابستان بیماری و گرم باشد حال کشتیها خوب باشد و زراعت و علات خوب است و مردم را تهور طرب و شادی بسیار باشد فانه اعلم	

در بیان ساعات دعا نوشتن

بسم الله الرحمن الرحیم

اما بعد عبد الله کعبی و غیره گفته اند ایشان ما این نسخه ایست از برای امتان محمد مصطفی ص یاد کرده ایم که آسمان را دوازده برج است و این دوازده برج را هفت کوکب است اگر خواهی طالع کسی را بدانی اول نام او را و مادر او را بحساب ابجد دوازده دوازده طرح کند اگر یکی بماند حمل آتشی بود دو بماند ثور خاکی است سه بماند جوزا بادیست چهار سرطان آبی است پنج ماند اسد آتشی است شش بماند سنبله خاکی است هفت ماند میزان بادیست هشت ماند عقرب آبی است نه ماند قوس آتشی است ده جدی خاکیست یازده دلو بادیست دوازده حوت آبی است پس جوزا و میزان دلو بادی و نرند سرطان عقرب حوت آبی اند نرند ثور سنبله جدی خاکی و ماده اند حمل قوس اسد آتشی نرند حمل بجوزا موافق است سنبله اسد میزان موافق قوس بدلو موافق ثور سرطان موافق است سنبله بعقرب موافق جدی بحوت موافق اگر کسی طالع آتشی باشد صوید

حب را دوشنبه یا یکشنبه باید نوشت اگر طالع خاکیست تعویذ حب را شنبه یا سه شنبه باید نوشت اگر آبی است تعویذ حب را آدینه و شنبه نویسد اما حمل بعقرب بمریخ دارد ثور بجوزا بعطارد سرطان بقمر اسد بشمس سنبله بعطارد میزان بزهره عقرب بمریخ قوس بمشتری جدی بزحل دلو بزحل حوت بمشتری اما بدان و آگاه باش جمعی چند چیز را شاید اول حب دوم زبان سیم عقد الرجال و عقد اللسان چهارم بغض عداوت را شنبه بغض را یکشنبه حب دوشنبه عقد اللسان سه شنبه بغض چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه حب را شاید و انحل که عمل میکند در آتش دفن کردن یا بر درخت آویزان کردن یا بر میز بگر دفن کردن باید همین نیت کند که خطا نشود انما الاعمال بالنیات و هر کدام را که خواهد مهر یا نسازد نام هما را پیش نویسد **دانستن** موافقت آتش با خاک آب اما باد خاک موافق آتش خاک موافق آب خاک سزاوار آب باب برآید آتش با آتش باد خاک بخاک حوت موافق باد آتش موافق ایضا بحب نویسد زحل عداوت مریخ دشمنی زهره محبت قمر خواب بندی عطارد مودبندی مشتری مهر محبت

از ساعت نامه شیخ عبد الجلیل در روزها و شبها ۷ ایام هفته بدین طریق

ساعات روزها	ساعات شبها
روز شنبه	شب شنبه

ShivaDoc.com

وسادتی وقادتی وشفعائی هم اولی ومن اعدائهم اتبرء فی الدنیا
والآخرة ثم اعلمی یا فلان بن فلان ان الله تبارک وتعالی نعم الرب
وان محمدا نعم الرسول وان امیر المؤمنین واولاده الائمة الاحد عشر
نعم الائمة وان ما جاء به محمد حق وان الموت حق وسؤال
منکر ونکیر حق والقبر حق والبعث حق والنشور حق والصراط حق والمیزان
حق وتطایر الکتب حق والجنة حق والنار حق وان الساعة آتیة
لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور پس بگوید آفهمت یا فلان
ودر حدیث است که میت در جواب گوید بلی فهمیدم پس بگوید ثبتک
الله بالقول الثابت وهداک الله الی صراط مستقیم عرف الله بینک
وبین اولیائک فی مستقر من رحمته پس لحد را بپوشانند وبگوید اللهم
صل وحدته وآنس وحشته وآمن روعته واسکن الیه من رحمتک
رحمة تغنیه بها عن رحمة من سواک واحشره مع من کان یتولاه وسنت
است که ولی میت یعنی اقرب خویشان بعد از آنکه مردم برگردند نزد سر
میت بنشیند باردیگر باواز بلند آن تلقین که گذشت تلقین کند ودر
اخبار وارد شده که چون این تلقین را کند منکر ونکیر گوید بیا برویم این
میت را بحثش کردند دیگر احتیاج بپرسیدن نیست ودر جمیع دعاها
که گذشت در صورتیکه میت زن باشد ضمیر مؤنث بیاورد چنانچه بقلم

بار بیک جای ضمیر اشاره شد اما در باب نماز لیلة الدفن وان دو رکعت
است در رکعت اول بعد از حمد آیة الکرسی ودر رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه
انا انزلناه وبعد از سلام بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد وابعث ثوابها
الی قبر فلان نام میت را بگوید از حضرت پیغمبر روایت شده که رحم کنید بر مردگان
خود بتصدق دادن واگر نیابید این نماز را بر وشی که مذکور شد بکنید چه
الله تعالی میفرستد در همان ساعت بسوی قبر آن میت هزار فرشته که با هر یک از
ایشان جامه وحله ایست از حله های بهشت وقبرش را وسیع میکند تا دمیدن
صور وعطا میکند بنماز گذار از حسنات بعدد آنچه بر آن تابد بروایت دیگر در معالی
در رکعت اول بعد حمد ده بار توحید ودر رکعت دوم ده بار تکاثر است

در اعمال ماه مبارک رمضان

سنت است طلب ماه رمضان وبعضی واجب دانسته اند در کتاب زاد المعاد از امام
جعفر صادق منقولست که چون ماه رمضان را دیدی اشاره بسوی هلال کن
ودستها را بسوی خدا بلند کن وخطاب کن ماه را وبگو ربی وربک الله رب
العالمین اللهم اهله علینا بالامن والامان والسلامة والاسلام
والمسارعة الی ما تحب وترضی اللهم بارک لنا فی شهر رمضان واعذنا
من شره وعونه واصرف عنا شره وشره وبلائه وفتنته و
بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است ودر روز اول ماه سنت است

ShivaDoc.com

در اختیارات

روز یکشنبه	شب یکشنبه

روز دوشنبه	شب دوشنبه

روز سه شنبه	شب سه شنبه

روز چهارشنبه	شب چهارشنبه

روز پنجشنبه	شب پنجشنبه

در اختیارات

روز جمعه	شب جمعه

طریقه دیگر در هر اول ماه

بخت نقره قلوب بدانا باید بتر بدهد دوم
خواب بند زبان بند دهه سیم علاوت
دلکشی فزاید

نسخه دیگر مشتری بخت زحل دلکشی عطارد زبان بند

شمس قمر - مریخ - زهره خواب بند
بالا تحر شغل بیاد دعا فزاید

باید دانست که هر روز را هفت قسم کردند
چنانکه گرشدد هر قسمت ساعت یکی از کواکب
متعلق دارد پس هر ماه دانستی که طالع در کدام
برج است و آن برج بکدام کوکب متعلق است
اگر چون دو نداد انستی باید بلند از هفت
قسم که هر دو هفت کوکب قرار داده اند
کدام ساعت روز است باید در همان ساعت
عمل نماید مثل اگر شمس است حبت این قیاس

باید دانست که طالع هر کس را بهم چه
باید نوشت طالع زحل ماه تا سر کدو نیل
مشتری را بگلاب و زعفران و مشک طالع
خرج بخور فرجون مریخ طالع تیم عطارد
بمشک و زعفران آمادن جای خلوت نشیند
بدون سخن گفتن تا عمل تمام شود البته
مراعات مراتب نماید تا خطا
نکرد

۳	۷	۱۰	۲	۶
۴	۱	۸	۵	۹

ShivaDoc.com

در استخاره

یک انحنا الی محامیسا	دو تا اثنین اذهما فی الغار	سه وقل الثلاثة الذین
چهار نحن اربعون الفین	پنج ویقولون خمسة	شش فبیسة ایام وثمانیا
هفت وسبعة اذا رجعتم	هشت ثمانیة ازواج	نه تسع آیات بینات

در ساعات

هر اکحل انت یوم دوشنبه متعلق بصبر او دو موکل او داود و موکل او دانیل است یوم سه شنبه متعلق بسرخ داود و موکل او دانیل است یوم چهارشنبه متعلق بعطارد است موکل او هامائیل است

استخاره دیگر

نقل از امیر المومنین هر که خواهد بدونیت خود را معلوم کند بعد وضو نیت دو رکعت نماز بکند و صلوات بر محمد و آل او بفرستد سه هفت طرح کند بر جدول ثمانیه تک بدان در این شکل صد و صفحه معلوم گردد

۱	زهره	در این نیت عیش و نشاط روی دهد
۲	مریخ	این نیت بسیار است رنج نزاد
۳	زحل	از این نیت جدائی و خصومت شود
۴	مشتری	در این نیت جدائی و صبر است
۵	قمر	این نیت خوبیات بر دل است
۶	عطارد	این نیت میانه باشد صد نیکی
۷	شمس	در این نیت جدائی و رنج صبر است

در استخاره

فالنامه مولای متقیان اول نیت کند بعد حمد یکبار صلوات ده مرتبه و آیة الکرسی یکبار بعد انگشت بالا صلیخانه ها بگذارد از هر حرف بیانین یا بالاصغر تقاطع کلمه میشود از بدو خوبی معلوم نماید بان و الحروفات در این جدول ذکر میشود هر که شک آورد کافر گردد بیا تجربت و الحروفات این است

ب	ب	ا	ا	ی	ث	ت	ت	ب	ب
س	س	ح	ح	ا	ر	و	و	م	م
ی	ی	ر	ر	ع	ل	ف	ف	ق	ق
ا	ا	ط	ا	ل	ل	ی	ی	ص	ص
ر	ر	ح	ی	ی	ن	ق	ق	ب	ب
ه	ب	و	ن	م	ب	ی	ی	م	م
د	د	ب	ب	د	د	ا	ا	ی	ی
ب	ا	ا	د	د	ا	ف	ف	ر	ر
س	س	س	س	ل	س	ت	ت	س	س
ت	ت	ت	ت	ن	ت	ی	ی	ی	ی

(قاعده استخاره امام رضا)

باستدعای مامون الرشید از آن بزرگوار تا احتیاج برمل و سایرین نباشد فرمود هر گاه کسی مطلبی داشته باشد خواهد خیر و شر از این عمل بعد از وضو باعتقاد کامل الحمد و قل هو الله و آیه و عنده مفاتح الغیب تا آخر آیه بخواند و دوازده بار صلوات بفرستد آنمطلب را اول از چهار دائره بردارد با الحروف که در وسط آن دائره است ایضا تا آن همان مطلب از شش دائره دیگر بردارد با الحروف وسط دائره را بعد همان دو حرف را از دایره بزرگ که مجمع الحروف است پیدا نماید و بعد دو نفر دست در بغل نمایند انگشتان بعدد دوی دیگر در نسخه دیگر مذکور بود در وقت قطع کردن قلم دعا

ShivaDoc.com

ان را بخواند و بتراشد و در موسمی که دود شد قلم بتراشد و چون قلم بتراشد بنشیند
و سر خط بر دو خود بکشد و در وقت خط کشیدن این آیت را بخواند بسم الله الرحمن الرحیم
و کفی بالله شهیدا محمد رسول الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی المسخر رحمتک
یا ارحم الراحمین و چون تعویذ بحب نویسد این نامها را نیز نویسد العجل العجل العجل
الساعة الساعة الساعة الرجاء الرجاء الرجاء اهیا شراهیا اهیا حیاوث احیاوث
بحق بطاشیا بطشیا بطشیا بحق الفتح کنتح اهیج یهیج یابدوح یابدوح یابدوح
و چون تعویذ المتمات ناریات نویسد بوی خوش بسوزاند و در وقت نوشتن سر
بر قبله اندازد و بخواند و قلم را بتراشد و بر گرد خود خطی بکشد تا دعا را تمام نکند سخن
نگوید و دهان نگشاید تا تمام شود در هر گاه این شروط عمل کند و ضایع شود بر عامل که
تغیر باشد لعنت کند دعای قلمتراش این است بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
الملک الجبار العزیز الغفار الواحد القهار ایاک علی کلتنی قدیر عقلت قلب فلان
بن فلان بهذه الکلمات عقلت قلبها و طرفها و عینها و اذنها و سمعها و بصرها
و کلامها و لحمها و دمها علیکم ایتها الارواح ان کنتم حرجتم علی عهد سلیمان
اعظم علیکم باجراب الجن و الرواسی و من جنود ابلیس و من جنود اول اولین و من
جنود جمیع الجن و الشیاطین و بحق سیدک و بحق سیدنا سید الرسل علی عرش
الخاتم یا جنود هذه العزیمة برحمتک یا ارحم الراحمین از اختیارات
مجلسی که مذکور است روز جمعه ساعت اول هشتم نوشتن دعاها بحبت و میکل

و از مناسبات است روز شنبه ساعت اول هشتم عمل عداوت بطالت و ظلمات خوب
است یکشنبه ساعت اول نوشتن محبت تالیف عوام تسخیر ملوک لوح خیر خوب است دوشنبه
شنبه ساعت اول هشتم حزام جن و دعا بمصروع دادن و عقد اللسان

(فالنامه امام جعفر صادق)

اما سبب این فالنامه آنست که امام جعفر صادق ع از غلام ملک غلام اخبار نموده هر که کسی طلبی
عاد و نیک بداد و ابلیه بدانی بعد از نیت روزه و خواندن دعا و نفرست دو بعد نمایند که
بعد حضور روزا و روز در روز ۳ معلوم بر آید

حمل ۱۱	ثور ۲	جوزا ۳۳	سرطان ۴۱
اسد ۳۲	**سنبله**	**میزان ۳۴**	**عقرب ۱**
قوس ۴	**جدی ۴۳**	**دلو ۴۵**	**حوت ۵**
قمر ۵	**قمر ۵**	**زحل ۵۵**	**دعا ماستخاره**

ShivaDoc.com

در استخارهٔ

مخصوص بیرون آورند نوزده شماره همان انگشتان از انحروفات بشمارد تا هر جا که منتهی شود در برابر
انحروف اسما الله وارد دو بر همان اسم صاحب آن داد و مطالب شرح بیابد بعد همان عدد بشمارد
سطر امثلا از سوال که کردی عدد تا خیر شو معلوم گردد بشرط ان دو نفر زنده یا نه بیرون یا ورند هر گاه
عامل تنها باشد انگشت ابهام اعداد گذارد همان عدد معلوم دارند

(چهار دائره)

۲	ء
هفت	ده
یک	چهار
نه	سه
پنج	هشت

(شش دائره)

استخاره

استخاره صاحب

استخاره ساعات

مجمع الحروف

مجمع الحروف دائره ان اینست

مطالب شرح یا الله

سوال کردی عدد	از جای وطن بجست	خواب دیده خیرات	ملکی انجر نامه دارد
نزد شخص نامی برو	۲۸ شخص رهائی یابد	زن را طلاق مده	عادت زن نیکان
از سلطان طرف یابد	صبر کن مراد برسد	یا رحمن ۹	سوال کردی عدد فرد
این کار بدی کردی برات	از جای رفتن بجست	خواب کردی خیرات	ملکی انجر نامه دارد
نزد قاضی برو منتظر	لوا بجهت شرح بپرسید	از طلاق زن حذر کن	عادت کردن خیرات
نزد سلطان برو	یا ذالجلال	سوال کردی عدد فرد	سفر راهزن خیرات
این کار خوب برمیاید	حرکت کن سعادت یابد	انجواب دانجی صفو	ملکی انجر نامه دارد
نزد قاضی برو الله	از سفر خلاصی یابد	زن طلاق مده	کار ملک انجام
یا هادی	سوال کردی عدد فرد	با خصم مناظره کن	سفر مرد انجام شود
این کار نا صبر کن	حرکت مکن نامه دارد	خواب دیده خیرات	ملکی انجر نامه دارد
نزد قاضی برو الله	صبر نما از غم خلاصی یابد	در طلاق زن تحمل کن	یا قدوس
سوال کردی عدد فرد	بیمار نزد دعا شفا یابد	با خصم مکن ظلم نرسد	سفر و سعادت یابد
انکار نزد دعا برآید	حرکت مکن دنیم کردی	خواب دانجی مکن	ملکی انجر نامه دارد
نزد قاضی ظلم خصومت	از انجا نامی یابد	یا سلام	سوال کردی عدد فرد
غایب صبر نما باشد	بیمار نزد دعا شفا یابد	از خصم حذر کن	از سفر حذر کن
انکار برآید عمر دراز	بیمار نزد دعا شفا یابد	از خواب دیده خیرات	ملکی انجر نامه دارد
نزد قاضی برو ظلم	یا مومن	سوال کردی عدد جدا	گشاده شو میرسد صبر
غایب کار او دور رسد	بیمار نزد دعا شفا یابد	از خصم حذر کن	سفر کردن را صبر نمودن
این کار نزد دعا برآید	هر چه خواهی برو	خواب دیده خیرات	ملکی انجر نامه دارد
یا مهیمن	سوال کردی عدد فرد	زن السن فرزند یابد	گشاده میرسد شو

ShivaDoc.com

شرح مطالب

غایب زود می‌رسد	بیمار زود شفا یابد	بر دشمن ظفر یابی	سفر بر و صلاح تو
انکار بر مبادا	بحالی بر وابسته	حرامی بدی خبر است	**باغ بلند**
سوال کردی عدد قرعه	دوست بتو میرسد	دشمن بر تو بسر زاید	گشوده بتو میرسد
غایب زود می‌رسد	بیمار شفا یابد انشاء	از خصم حذر کن	سفر را صبر کن
این کار بر زود می‌آید	از جای بجای رفتن خوب	**باجتار**	سوال کردی عدد قرعه
تجارت مرد البته	دوست بتو میرسد	زن البته پسر زاید	گشوده بتو میرسد
غایب بکار خود مشغول	بیمار بزودی صحت یابد	از دشمن حذر کن	سفر بر تو نفع دارد
این کار بعد ها باید	**باشتر**	سوال کردی عدد قرعه	حاجت را بخیر فائده دارد
تجارت کن فائده دارد	دوست معشوقه میرسد	زن دختر زاید البته	گشوده بتو میرسد
غایب بزودی بیاید	بیمار بعد چند شفا یابد	بر دشمن ظفر یابی	سفر بر تو خیر دارد
باخاتون	سوال کردی عدد قرعه	معاش روزی بتو میرسد	حاجت را بخیر فائده دارد
تجارت بغایت خوب است	معشوقه بتو میرسد دوستی	زن البته پسر زاید	گشوده بتو میرسد
غایب میرسد	بیمار بعد چند شفا یابد	بر خصم ظفر یابی	**باباری**
سوال کردی عدد قرعه	چیزی معروض البته	مرد مبارک تو بروزی زیاد	حاجت را بخیر فائده ندارد
تجارت کردن خوب است	دوست یکدل بتو میرسد	زن البته دختر زاید	گشوده بتو میرسد
غایب بزودی بیاید	بیمار بعد چند شفا	بر دشمن ظفر یابی	سفر بر تو خیر دارد
تجارت کردن خوب است	چیزی معروض البته	دوستی زیاد بتو میرسد	حاجت را بخیر فائده دارد
تجارت مرد البته	دوست بتو میرسد	زن البته پسر زاید	گشوده بتو میرسد
غایب می‌آید صحت	**باغفار**	سوال کردی عدد قرعه	زن خواهد صلاح تو
در این وقت حج بیت الله	مناع معروض البته	دوری بتو میرسد	حاجت را بخیر فائده ندارد
بجارت امر موقوف دار	معشوقه بدیگری مائل	زن دختر زاید	گشوده بتو میرسد
باقهار	سوال کردی عدد قرعه	شرکت کردن خوب است	زن را بخواه صلاح نیست
حج بر تو فتح یابی	چیزی دارد بحق معروض	روزی بتمام بتو میرسد	حاجت را بخیر فائده ندارد
در تجارت سود یابی	معشوقه بدیگری عاشق	زن دختر زاید	**باوهاب**
سوال کردی عدد قرعه	بمراد دل برسی انشاء	در شرکت حذر کن	از خواستن بر گرد
حج را موقوف دار	چیزی دارد بحق معروض	روزی بتمام بتو میرسد	حاجت را بخیر فائده دارد
تجارت بد است مرد	معشوقه دل بتو نیست	**باوزاق**	سوال کردی عدد قرعه
از سلطان حذر کن	بمراد دل برسی انشاء	شرکت فائده دارد	زن خواستن تجمیل کن
حج بر تو فائده تمام	چیزی معروض البته	معاش روزی بتو میرسد	حاجت را بخیر فائده دارد
تجارت صلاح نیست	**باوفتاح**	سوال کردی عدد قرعه	در عمارت سعی کن
از سلطان عزت یابی	بمراد دل برسی	شرکت سود ندارد	زن را چند صبر کن
حج بر تو بغایت خوب است	چیزی معروض البته	معاش روزی خوب است	حاجت را بخیر فائده ندارد

بیگانه هفت انمیر
فلانکس با من دو
است یا من چهار
طرح کند یکی ماند
دشمن است دو ماند
دوست است سه
یا نفاق دوست با من
دشمن چهار سرخ
سفید نقطه نکت
ماند نه دوست
است نه دشمن
دو زرد چه رنگ

حج بیت طرح کند
یکی ماند

مت دو رمل

دو ماند
سفید و نیلی چهار
سرخ سفید

دو زد اشنا است
یا بیگانه است

سه سه طرح کند
یکی ماند همسایه
دو ماند از بیگانه
سه ماند صاحب
خانه باشد

گشوده بدست آید

یا نه سه سه طرح
کند یکی ماند بت
آید دو ماند بت
یا آید سه ماند بت

دو زد مرد است

فالنامه امام جعفر صادق

باعلیه	سوال کردی عدد قرعه	زن را طلاق بد خوب	چهار بار انجر فائده دارد
از سلطان فائده نیست	بمراد دل برسی انشاء	شرکت نفع دارد	زن بغایت مبارک
حج بر تو بغایت خوب	چیزی معروض البته	معاش روزی بتو میرسد	**باقاضی**
سوال کردی عدد قرعه	از خصم شادی میرسد	زن را طلاق مده البته	در عمارت تجمیل کن
از سلطان عزت یابی	بمراد دل برسی انشاء	شرکت اغر بمشکن	زن را تجمیل کن مبارک
حج بر تو بغایت خوب	چیزی معروض البته	**باباسط**	سوال کردی عدد قرعه
نزد قاضی بر و نظر خوب	از خصم شادی میرسد	زن طلاق مده البته	عمارت کردن میانه
از سلطان عزت یابی	بمراد دل برسی انشاء	در شرکت عزیت فرمایند	در زن تجمیل کن
حج بر تو بغایت خوب	**باحافظ**	سوال کردی عدد قرعه	در خریدن مطلب نفع یابی
نزد قاضی بر و البته	از خصم شادی میرسد	طلاق زن تجمیل کن	عمارت کردن خیر است
از سلطان دور شو	بمراد دل برسی انشاء	در شرکت حذر کن	زن بجاه غلط عظیم
باوالحج	سوال کردی عدد قرعه	بغیر جواب سخت است	ملک را بخر فائده ندارد
نزد قاضی بر و نظر خوب	از غم صبر کن بمراد برسی	در طلاق زن تجمیل کن	در عمارت صبر کن
از سلطان جاه یابی	بمراد دل برسی انشاء	شرکت را سعی کن	والله اعلم بحقایق الامور

(فالنامه امام جعفر صادق علیه السلام)

کرنصاب اخراج خرده است و بشمار این فال را حاجت بسند بدانند تجربه کرده اند اگر طریقه او اینست بعد وضو فاتحه یکبار و سوره اخلاص سه بار و آیة الکرسی یکبار و آیه عدد مفاتیح الغیب خوانند بعد از بسمله ماشاء الله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم لک الدنیا و الآخرة تعطی من تشاء و تمنع من تشاء اللهم اغنی غنی القلب و العلم و اقض دینی و فرغنی فی عبادتک و ارزقنی جهادا فی سبیلک برحمتک یا ارحم الراحمین صلوات سه بار و انگشت سبابه را بر بالای یکی از خانه های ده گانه بگذارند عدد را مختص خرده انوقت مطلب خود را از دائره بر دارند و بر ابر انسوره را هم بر دارند همان عدد مختص خرده را بنهاد و اجبر سوره که منتهی شود همان سوره را در شرح مطلب بیابند بعد همان عدد سطر شمارند بنظر شمارند خوب دیگر دانسته معلوم نمایند اما در جمیع احوال رعایت مراتب را نموده تلفظ

۱	۲	۳	۴	۵
۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

واقع نشود
فافهم

حصه مال یا فتن
دو زد مال یا باید
دو زد مال یا باید
دو زد مال یا باید
دو زد مال یا باید
دو زد مال یا باید
دو زد مال یا باید
دو زد مال یا باید
دو زد مال یا باید
دو زد مال یا باید
دو زد مال یا باید
دو زد مال یا باید

دو زد استخاره

ShivaDoc.com

دائرهٔ مطلب

دائرهٔ مطلب این است

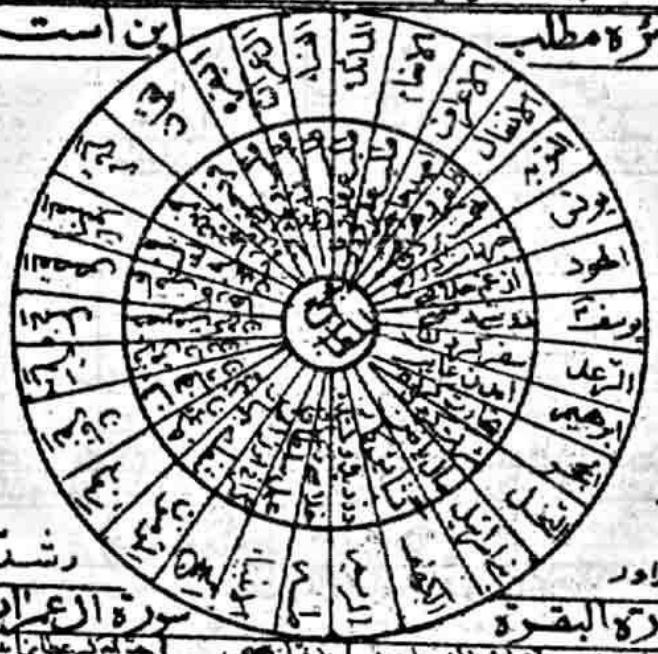

مراد — رشدیه

سورة البقرة

واياه الله الملك	ولايت شاهي بعلم بود	بدنيا نصيبي
لا يسمع منه ولا غلة	فروختن بنده خوبست	ما يملكون من نصير
ومن اصوافها	چهار پا از آنجهت	مراعي سواه اخيه
خفات خلقه	صناع حرام بود بخرانند	والخيل والبغال
يلتزمهم ربهم	عاقبت كار هلاكست	ومساكن طيبة
انما نعد لهم عدا	خصومت را صبر كن	نحن نرزقه
ذو عسرة فنظرة	قرض دادن و كرايه كردن	وانبغوا حكما من
بنيانهم الذي بنوا	اين بنا زود خراب كردد	والعافين عن
يطاف عليهم	بنده را بخريد بنوست	انس بنيانه
ان متنبي الفتر	اين بيمار بصحت نخواهد	او ما ملكت ايمانهم
قضيا دبرا	تنكو كرانى نمودها	اياما معدودات
لدينا مكون امين	عمل سلطان نيكوست	سبع سنابل
لا تخف نجوت	وندان خلاص شود	يا ايها العزيز

سورة النساء

وخلق منها	اين زن بخواه مبارك	او نوايا العقود
افلا يكون لولد	فرزند اين زن بهم آورد	اين من اولوا حكم
وجعلنا ملوكا	پادشاهي بهر دلي بود	وضعتها انثى
[illegible]	عدد شتاب بنده وار ان بود	ليستخلفنهم
الله جعل لكم	چهار پا را بخير خبر دارد	وودروا النجم
ومن ثمرات النخيل	اين بنا صناع نابنده باشد	سبحان الذي سخر لنا
[illegible]	عاقبت ايكار بخوبست	في جنده هالكة
كفرى امين	خصومت عاقبت بخيرست	عاقبتها الخصما
كل رجع صبيا	قرض بدهد و بگيرد	للعمل العاملون
وما كنتم عليكم	اين بنا محكم آيد	ومن يرد ثواب
لو ما ملكت ايمانكم	سلاح را بخر مبارك	بنيانهم الذي
ليلكم ايكم الصبي	بيمار بنكر شفا يابد	فوجد هدى
تجنبوا الكبائر	ترنجبيا ارزان شود	الذين يبخلون الله
ان يصبوا الكافرين	از سلطان نيك بيند	عام فيه يغاث
قالوا كنا مستضعفين	دنيا بزود خلاص شود	ولا تركنوا الى الذين

سورة الانعام

اني اعلم ما لا تعلمون	در علم ماهر كردد	وزاد ناموس
وانه لهدى	هر دو را فا كند	وطلب مال تكن
فانجح لنا طالب لكم	رزق الله بخواهد	يوفين بالنذر
الذي نعطيها الحق	فرزند بر بنده شود	فالخير من بلدن
لا يملكون خفاف	پادشاهي بر ولايت بود	سنين وجعله
وجعل الله النجم	بنده را بفروشد هنر است	وانبا هم ملكا
والانعام خلقها	چهار پا را بخر بست	فاسكن من سرك
والزرع والزيتون	از صناع بشادي بلند	هذه الانعام خالصة
انبئوني بعلم ان	عاقبت اينكار بد ست	في صدر خصوص
فيست الذي كفر	خصومت نكند بدانست	فمن يعمل من الصالحات
واحسن كما احسن	فرض خوب داده شود	وان عليهم او
فوجد هدى	عمارت فرزند مبارك	مرة الذي يقرض
انه لحق ما كسبتم	خريدن بنده خوبست	عمارت مسافر بود
ولا على المرضى ولا	بيمار بصحت نه شفا يابد	او ما ملكتم مفاتحه
وفاكهة كثيرة	هر كس نه نعمت ارزان شود	ان كنتم مرضى

سورة المائدة

اوفوا بالعقود	عهد وفا بجا آورد	
اين من اولوا حكم	زن دو بهم بخواهد	
وضعتها انثى	فرزند بخير آورد	
ليستخلفنهم	وكالت بزرگي بود	
وودروا النجم	بنده را بهر دين الله	
سبحان الذي سخر لنا	سوار را بخر مبارك	
في جنده هالكة	از صناع شادي بيند	
عاقبتها الخصما	عاقبت كار خير است	
للعمل العاملون	با خصم برابر شود	
ومن يرد ثواب	قرض را زود دهد	
بنيانهم الذي	اين بنا نيكو كردد	
فوجد هدى	بيماري را بخر مبارك	
الذين يبخلون الله	بيمار بصحت نه شفا يابد	
عام فيه يغاث	اين سال نيكو بيانه بود	
ولا تركنوا الى الذين	از سلطان نيك بيند	

سورة الاعراف

مراد بنده بدهد بر آيد	
علم آموز و شهرت يابد	
عهد را خلاف كند	
اين بنا بخواه هنر بس	
وال فرزند مال يابد	
دليل پادشاهي بود	
بنده خوب فروش شود	
اين سنين رعيت خالي داد	
اين صناع بخوبست	
عاقبت كار نيكو بود	
خصومت بصلح انجامد	
قرض را زود ترد دهد	
عمارت مسافر بود	
بنده خريدن خوبست	
بيمار بر صحت مي	

در فالنامه آيات

لا تخف نجوت	وندان خلاص شود	يا ايها العزيز
ويجعل لكم	كشاد بدست آيد	اين من اولوا الحكم
فالحق بهم	كارها كشاده شود	لو يعلم ما يخفون

در استخارهٔ

ShivaDoc.com

در فالنامه است

سورة الأنفال

ان یکن منکم	رود لیمن قصر یابد
اجبت دعوة الداع	دعا بمراد مراد برآید
وعلم ان الله سماء	هر که علم روزی شود
وجهدوا هم واموالهم	عهد را خلاف نکند
لا تنکحوا امامکم	زوج را رسی کن
وهدا من بعدها	من زند پیچ دست
هما لا یملکه	دلیل پادشاه نیست
بعض ردفه من لیل	بنده را فرخنده زاد شود
وان لکم فی الانعام	ستور را بخر مبارکست
واذهب ریحکم	ضیاع را بخر اصل تمام
لا تخافوا ولا تحزنوا	مزین عافیت کار خوبست
واصبروا صبرکم	در خصومت صبر کن
واذا جنحوا للسلم	قرض دادن خوبست
وجنحوا لها	این عمارت محکم آید
الخزی یا الحزی العبد	خزیدن سبا عمر دیر رسد

سورة التوبة

واوجست فی نفسه	خصمت ترا بیش بیاست
برد کرد نکه	بمضرت دیگر بها بود
ان بدخوهم	امید حاجت بر نیاید
لا یفقهون بما	علم نیاموزی رنج بیهده
من بعد وان	وفا او را تمام باشد
نساؤ لم حرث	زن خوبست اما دختر
وجهنم هی	فرزند مالدار گردد
قل اللهم مالک	ایزد تعالی عزت دهد
اعلم اما تنفقون	بنده مراد در بعضه شود
ولا تنفقهم	ستور خرید کنیز بود
اظهار من ما غیر	ضیاع را بخر مبارکست
فقد استبرأ	عافیت این کار خوبست
فاصلح بینهم	در خصومت صلح کند
اذا انتم بدین	این قرض بمرد رسد
تحفه نامه و بداده	دوا این شاخدار کن

سورة یونس

یخبأ هو والذین	از غم زود خلاص شود
لا ریب فیه هدی	این خبر درست است
یطیعون بالله غیر	این محنت صرد دارد
هم المنصورون	نصرت ترا باشد
لا تقنطوا من رحمة الله	امید بلند بخیر تمام شود
من العلم الا قلیلا	علم اندکی بیاموزد
مفتاحنا الله	بد عهدی کنی عهدها
وتدانصح بعضکم	این دزد بجراه بیکت
نذر لیعلم اسمه	فرزند پس اما مالدار گردد
وهب له ملکا	دلیل مملکت و شاه بود
ویوید نعمه وقدم	در زرش بنده فایده باشد
وتجعل انفالکم	جهاد با بخر بخوبست
کم من فئة	ضیاع را بخر بنده فرخنده شود
هذه رباب ترابا	عافیت کار میانه بود
ان نصر کم الله	خصومت نکند بهتر بود
ان یصبر کم الله	خصومت دست تو بگیرد

سورة یوسف

سورة الرعد

در فالنامه

فهم مشاهدها	دوستی میان دو برادر باشد
لا یاس ابرهیم	وفا کن از غم برهی
قال الخیر وهو	این بات است
لا تقنطوا من	خلاف دروغست حذر بر
وان یشاء یرزق	بجم کل و هر بهمت است
والذین یعلمون	اگر این این حاجت بر بیاید
سبیلا الکتاب	هلاک ناگهی بر سامرند
لا یعزبون ما	منافقانست وفا نکنند
لا تمن علی	این زر را بخر اهل الله
لدیهم وبنات	حاجت دختر دود به یافتن
وما کان لنا علیهم	دلیل پادشاه بود
علیهم جناح	فرزند خوش بنده بهتر بود
کتب الله لی	خرید ستور مبارک بود
والجبال الارض	ضیاع الله بخرد
والآخرة خیر	عافیت این کار خوبست

سورة ابرهیم

ما لها من قرار	فایده دور باز آید
من اطرافها	از این سفر زود آید
لیس لها من	این دوستی از هر دو طرف
وان تعدوا نعمة	در غم بماند دعا نماید
یحرقون	خبر راست و دلخوش
احلوا قومهم	این محنت بیکن است
حزب الله هم	از دم ترا صحت دهد
ابن ابرهیم السلام	امید حاجت زود برآید
رب اجعلنی	این طلب و امر زود میسر
ربنا اغفر لی	عهد وفا باید باشد
فاخرج اصحابک	زن کردن بخیر مسافر بود
ان یکن لی علی	فرزند بنده باید صد خدا
وان شاء الله	این دم مملکت بزرگی بعد
لیس لی من	این بنده بدست نمی شود
وجعلوا لله	این ستور را بخر اغرو باشد

سورة الحجر

وجعلنا لکم	در عطوت سود بیند
وجاء رجال	این غایب باز آید
فسبح لله	در این سفر تعصیر دو شد
قال هم شق	این اندوه حذر کن
ویحیی من العلم	آنا این غم فرج یابد
بشرون نزمن	خبر بعیبی بات میدهد
علی الکبر وهم	همت در جهن او راست
قال وبشت	از حد بار بخیر ظفر یابد
ولقد هممنا	امید فرزند و بر سد
لقوم یتفهمون	علم آموز و هر چه کلام بیند
کان حلف الرهط	وفا کند خلاف نکند
وانجیناهم	زن خوبست او طاهر باشد
وان کان	فرزند بنده باید صد خدا
اما هلکناهم	فرزند بسیار دهد
الذی جعل لکم	سر افراز شود بزرگی آید
فاصبر الجمیلا	در فرزند بنده صبر کن

سورة بنی اسرائیل

واذا ما مرضت	در مالداری گردد

سورة النحل

شرکاؤکم الذین	در شراب سود باشد

ShivaDoc.com

سورة الكهف

ان بلغنا الذهاب	کارها نادره گردد	فقال الذين امنوا	دو شرکت سود بیند
لحسن الصدق فا	دو بیچ و مال بر تو فرای گردد	والله ضل سعيهم	در تجارت بخت حرب ان
ولا تقربوا الصلوة	در شرکت خطرات	فتكن غير بعيد	این غایب نزدیک شد
فاذا اردتم تجارة	در تجارت فایده یابی	عليهم اربعين سنة	سفر دلش طول کشد
ارض الله واسعة	انتساب زود نجاتش باید	مؤدة بينكم	این دوستی دور گشد
فهيئ الفضاء	این سفر را بکن مبارکست	فيضاعف لها	از غم زود خلاص شود
يهلك العدوات	این دوستی زیان است	بل هو كتاب	این خبر درست است
ويحسبونهم من الغم	از غم فرج راحت یابد	جزاء بما كسبا	این خبر الله درونغ است
اولئك صرون	این خبر دروغ است	حالكم من الله من	حجت زود است گردد
ما يقولون هم	از این حجت بیگناه است	قل هو من عند	از این جهت حذر بد
علينا نصر المؤمنين	حق هم نزا نصرت بخشد	الرحمن علم القرآن	حاجت اندکی برآید
انا المردودون	انتظار بر یابد	ولا تعصرن	علم تفسیر آموزد
علم بذات الصدور	در امر خان علم صبر کن	عهود الله	عهود را نگهدار
قرآن من لدنا	از عهد وفا مبارکست	ان تكونوا من بلد	دن با وسائل مبارک باشد
عهد الصبر	این بدن را بخواه مبارکست	رهبد گر امرال	فرزند بر سر مادرت آید
		هو ملكه من بلد	حدایت پادشاهی عطا فرماید
		لاهب لك غلاما	این حمل پسر باشد

سورة مريم

وهنا العظم	کارها نادره گردد		
ان تسخروا	دو بیچ و مال بر تو فرای گردد		
وخشون المال	مال بسیار یابد		
تركان فيها	شرکت نکو بدست		
ان الانسان الذي خلقه	تجارت سراسر بالست		
يرزقه بعيد	غایب درست خواهد آمد		
حرجوا من ديارهم	دو اسیرت سفر کند هدایت		
تحت الخبيث	این دوستی حقیقت دارد		
ام صبيا	از این دعا بیابد		
ويحسبون انما	این خبر راست است		
انهم يريدون	حجت دروغ دروغ است		
دنيا لله ضرا	در این حجت بر خصم ظفر یابی		
لا تزر وازرة	امید از دور رسد		
ويدعو له من تاويل	علم و حکمت دیگر بیاموزد		
واوفوا بالعهد	عهد را بجا آورد و وفا کن		

سورة طه

لا تخف انك انت	این زنانی زود فرج یابد		
يصيبهم الحاصل	این کلام بدست آید		
لقضينا اليك	کار تمام گشاده گردد		
سواء مكانا	لغت بلند رسی یابد		

سورة الانبياء

ما هذه التماثيل	از عمل سلطان رنج بیند		
يا صاحبي السجن	از زندان زود خلاص شود		
قال اسلم	گشاده و آباد مژده دهد		
ابرهيم اصنامها	کارها نادره گردد		

وتخلخ من فوقهن	در تجارت شرکت کن	مال ولا بنون	بدو دنیا شکر کن
وان لك لاجرا	در تجارت سود بیند	هو من عمل	در شرکت راستی کن
ارسلنا عصاه	این غایب دور آید اما سالم	فاذا رجعتم	در تجارت سود یابد
ولا تمش في الارض	این سفر حرب است بیرون دل	فرحين بما	غایب دور است سالم
والقى من الالواح	میان دو خصم دوستی شود	ومن اتبعك الغالبون	سفر کردن مهتر است
ويحسبون انما	این خصم دور فرج یابد	ودوا لو تدهن	دوستی هود و راستی است
وكنتم من النوء	این خبر درست است راست	لا يلتفت خلفك	از این دو خلاص شود
لعنت اولئك	این حجت زود دوستی شود	برمن المحصنات	این حجت بر دوی کمان میر
تركا من خوفهم	امید عهد بیمبر بهد	هاانتم هؤلاء	بر دشمن ظفر یابد
فرعونا فاستكبروا	در این حرب دشمن مغلوب گردد	سابتلك بنا وبلها	این خبر درست حقیقت دارد
وعلمناها صنعة	در علم مقتدا شود	الحمد لله الذي	امید حاجت برآید

سورة المؤمنون

من كل زوج	نعمت فراخ از آن گردد	فتعالى الله	این بیماری بهبود بخورد
يحملنه من الغم	از سلطان نیکی بیند	برجالكم الليل	دلیلت بر جهان از آن شود
ويجعل له مخرجا	این کشاده زبان یابد	لا تضعن بحجة من	دنیا از زود خلاص شود
ولا تقربوا الصلوة	بستی کارها است	فضل الله يصيبهن	این کشاده شده بماند
بل بداه هم طغيان	تو اگر بحال یابد	حتى اذا قضيتم	کارها کشاده گردد
فاذا نزل بساحتهم	در شرکت سود یابد	واتخذ من الكنوز	مال بسیار بر حق بدست آید
لا يلتفت منكم	در تجارت زیان بیند	ناد واشركا الذين	در قرابت سود بیند
ترانقت ما لا	این غایب خانه باز آید	ان الذين امنوا	در تجارت سود بسیار است
ومن يحيى من بيته	در این سفر دهد ماند	وان تك حسنة	این غایب با مال بیاید
زينا هم سحرا	این دوستی حقیقت دارد	واذا ضربتم في الارض	سفر کن تا فتحت یابی
ويحفظوا	غم بر سید نجات یابد	عهد هم رعون	این دوستی محکم باشد
وهم على	از زود فرج یابد	في قلوبهم الرعب	در غم دعا باید کرد
هو حق الذين	این خبر دروغ است	الا الذين	این خبر او نهان در دعوت
ان تالوا الذين	این حجت گناه است	ان الملوك اذا دخلوا	از سلطان زیان بیند
سيهزم الجمع	تا گاه فتح و نصرت رسد	فاذا هدا لكن	این حجت درست نیست

سورة النور

او ما ملكت ايمانكم	این بنده را بخرد	وجعل لكم	بنا با سان ساخته شود
تاكلوا من	بیار بخش ای مراد شود	لما اقام عبد الله	بنده را خرج شود
ضحكا خرجا	تنگی گرانی زخم یابد	وشفاء لما	این بیمار را خدا شفا دهد
ولا تركنوا الى الذين	در کار سلطان شتاب مکن	يبطئ الرزق	دنیا خیلی دیر گاه برد
خالدين فيها	زندان زود رهایی یابد	واجعل لنا من	از سلطان نیکی بیند
قرت اعين	گشاده باز آید	بعد عسر يسرا	زندان زود نجات یابد
ما يعلم الله للناس	کار درست راست آید	بارك فيها	گشاده و بر کار فیها
ومن يتق من الاموال	از مال فضلة یابی	انا فتحنا لك فتحا	کارهای بسته گشاده گردد

سورة الفرقان

وجعل لكم	بنا با سان ساخته شود		
لما قام عبد الله	بنده را حرج شود		
وشفاء لما في	این بیمار را خدا شفا دهد		
يبطئ الرزق	دنیا خیلی دیر گاه برد		
واجعل لنا من	از سلطان نیکی بیند		
بعد عسر يسرا	زندان زود نجات یابد		
بارك فيها	گشاده و بر کار فیها		
انا فتحنا لك فتحا	کارهای بسته گشاده گردد		

ShivaDoc.com

سورة الشعراء

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ShivaDoc.com

طالع نامه

اول نام مرد و مادر او را بحساب جمل مدار دوازده، دوازده طرح کند یکی ماند جمل دو بماند نور سه ماند جوز چهار سرطان پنج اسد شش سنبله هفت میزان هشت عقرب نه قوس ده جدی یازده دلو دوازده حوت

ایضاً اسم زن و مادر او را بحساب مدار و دوازده، دوازده طرح کند هر چه بماند طریق سابق معمول دارد بترتیب بروجات اما سعی نماید در حساب نظائر و بروج اینند

برج جمل الرجال

برج جمل النساء

طالع نامه

برج نور الرجال

برج نور النساء

ShivaDoc.com

فالنامه

فالنامه

برج جوزا الرجال

برج جوزا النساء

فالنامه

ShivaDoc.com

فالنامه

برج سرطان النساء

برج سرطان الرجال

فالنامه

فالنامه

ShivaDoc.com

فالنامه است

برج اسد النساء

برج اسد الرجال

فالنامه است

برج سنبلة النساء

برج سنبلة الرجال

ShivaDoc.com

برج میزان النساء

برج میزان الرجال

برج عقرب النساء

ShivaDoc.com

فالنامه

برج قوس النساء

برج عقرب الرجال

فالنامه

برج جدی النساء

ShivaDoc.com

فالنامه است

برج ذی الزجال

برج ذی النساء

فالنامه است

برج ذی الحوت

برج ذی الحمل

برج ذی الثور

برج ذی الجوزا

برج ذی السرطان

برج ذی الاسد

برج ذی السنبله

برج ذی المیزان

برج ذی العقرب

برج ذی القوس

برج ذی الجدی

برج ذی الدلو

برج ذی الحوت

دفع طاعون

دعای رفع طاعون

ShivaDoc.com

جهة دفع طاعون

یا مُخذِلَ الکُفّارِ دشمن مقهور شود انشاء الله تعالی

تمام شد کتاب مجمع الدعوات کبیر

بتاریخ رمضان المبارک ۱۳۷۶ هجری قمری